

دیرپراه

رصد دیدگاه‌ها و راهبردهای اندیشمندان
مسائل فرهنگی و اجتماعی

دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی

گزارش شماره ۳ | تاریخ انتشار مردادماه ۱۴۰۱

انتشار محدود (ویژه مدیران فرهنگی جهاد دانشگاهی سراسر کشور)

جهاد دانشگاهی
زیست بوم نوآوری نخبگان ایران



جهاد دانشگاهی
زیست بوم نوآوری نخبگان ایران

چهل و دومین سالگرد تشکیل جهاد دانشگاهی گرامی باد

—புதுமுகம்—

بیانات رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) در دیدار کارگزاران حج و پیام به حجاج بیت الله الحرام	۱
برگرفته از فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی) پیرامون اعیاد سعید قربان و غدیر	۴
دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به اهم چالش های ازدواج و تشکیل خانواده	۶
جامعه اسلامی بدون فعالیت اجتماعی زن شکل نمی گیرد.	۱۰
شهید بهشتی به ولایت مطلقه فقیه قائل است.	۱۲
امروز نیاز به نوآوری در بخش های مختلف علوم انسانی داریم.	۱۵
"دانشگاه تراز انقلاب اسلامی" پیش نیاز تولید "علم نافع" است.	۱۸
دانشگاه اگر فقط خودش را سرمایه ببیند موفق نمی شود.	۲۳
تاثیر مطالعات میان رشته ای در تولید علوم انسانی مؤثر	۲۷
علم نافع به معنای انحصار آموزش های مهارتی نیست.	۲۹
نقش علوم انسانی در تمدن سازی باید فعال در نظر گرفته شود.	۳۱
قوانین موجود به وابستگی فناوران به خارج از کشور کمک می کند.	۳۴

- آموزش و پرورش را از این نگاه صنفی و جنگ اصناف دور باید داشت. ۳۶
- افزایش ۵۳ درصدی قیمت کتاب همراه با افزایش عنوان و تیراژ ۳۹
- پدیده مهاجرت در ایران فرایندی خودکار و خودمحور است. ۴۱
- جلوگیری از مهاجرت از طریق خانه‌های خلاق نوآوری و دانش بنیان ها ۴۳
- جمعیت بیشتر، به معنای تولیدکنندگان بالقوه بیشتر است. ۴۵
- اتفاق مهم جامعه ایران «شکاف اجتماعی» است نه شکاف نسلی ۴۸
- حاکمیت باید بستر به روز کردن والدین را فراهم کند. ۵۰
- کودکان کار مدرن و لزوم تغییر رویکرد عمومی در آموزش سواد رسانه‌ای ۵۳
- حواسمان به آسیبی که از روی جهل یا بی‌سوادی به ما وارد می‌شود باشد. ۵۶
- باید مهارت‌های چهارگانه زبانی در کتاب بر اساس نظریه، نه شناخت تجربی تقویت شود. ۵۸
- افسارگسیختگی فضاهای مجازی گاه باعث ارائه خدمات غیرتخصصی به جامعه می‌شود. ۶۱
- کار تیمی و رویکرد چند نهادی را مبنای مداخلات در حوزه آسیب‌های اجتماعی قرار دهیم. ۶۳
- مساله تغییر پوشش را باید بیشتر تغییری در سبک زندگی دید تا تغییری ایدئولوژیک و عقیدتی ۶۶
- ترویج بی‌بند و باری و نابودی بنیان اعتماد خانواده با «تست خیانت» ۶۸

پیشنهادهایی سیاستی در راستای بهینه سازی الگوی دفاتر تسهیلتگری ۷۰

گزیده دیدگاه‌ها و راهبردها ۷۲

بیانات رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) در دیدار کارگزاران حج و پیام به حجاج بیت الله الحرام

گزیده بیانات در دیدار کارگزاران حج (۱۴۰۱/۳/۱۸)

- این دعوت الهی است که در را باز می کند، راه را به روی شما می گشاید؛ این لطفی از طرف کسی نیست؛ این قبول اشتیاق شما و حجاج محترم است از سوی پروردگار عالم
- حج، یک برنامه‌ی مدبرانه‌ی الهی است. همه‌ی برنامه‌های الهی مدبرانه است لکن این برنامه با زوایایی که دارد و خصوصیاتِی که دارد و گستره‌ای که دارد، با همه‌ی برنامه‌های دیگر فرق می‌کند.
- خدای متعال می‌گوید که حج، ستون زندگی بشر است؛ این خیلی مهم است. "قیاماً للناس" است.
- حج.. به نسل‌های پی‌درپی و متصل به هم تعلیم می‌دهد که بایستی ارکان زندگی‌شان را چه جوری انتخاب کنند؛ یک جا حرکت است، یک جا سکون است، یک جا پرهیز است، [یک جا] هم تعلیم همزیستی است.
- حج همزیستی را یاد می‌دهد؛ در یک برهه‌ی محدودی یک نمونه‌ای از همزیستی را به شما نشان می‌دهد، می‌گوید این جوری باید زندگی کنید.
- یک نمونه‌ی دیگر، تعلیم «ساده‌زیستی» است. یعنی خصوصیت حج این است که وقتی می‌خواهد تعلیم بدهد، این جوری تعلیم می‌دهد؛ یعنی باید شما این چند روز را این جور ساده‌زیستی داشته باشید. این.. سبک زندگی است.
- حج ..تعلیم پرهیز است، پرهیز کردن را یاد بگیرید یاد بگیریم که از یک چیزهایی باید در زندگی پرهیز کرد، این را تمرین کنیم؛ این تمرین در حج هست.
- این یکی از بلیات است.. که وقتی چیزی در دسترس او قرار گرفت، اجتناب از آن و مقابله‌ی با هوای نفس در مورد آن برایش مشکل می‌شود.

● «قیامًا لِلنَّاسِ» یعنی این: زندگی تکیه‌ی به حج دارد. خیلی از مسائل اساسی زندگی، خطوط اصلی زندگی و سبک زندگی، در حج برای شما از آب درمی‌آید؛ یعنی با تأمل و تدبّر در حج و توجّه در حج می‌توانید اینها را یاد بگیرید.

● نماز که ما می‌خواهیم بخوانیم، به ما می‌گویند قبل از آن، هم وضو بگیریم، هم اذان بگوییم، هم اقامه بگوییم؛ اینها هیچ کدام جزو نماز که نیست اما ما را آماده‌ی ورود در ساحت مقدّس نماز می‌کند، دل ما را نرم می‌کند؛ باید آماده شد.

● حج، مظهر اتّحاد امت اسلامی است؛ سعی کنید این اتّحاد به هم نخورد. انگلیس‌ها هنرشان ایجاد اختلاف است و یکی از گسل‌ها و شکاف‌هایی که همیشه انگلیس‌ها استفاده کرده‌اند، شکاف بین شیعه و سنی بوده. یواش یواش دیگران هم یاد گرفته‌اند.

● ما این همه مشترکات داریم؛ این همه موارد اشتراک داریم؛ اینها را بکلی ندیده بگیریم برویم سراغ اختلافات؟ نگذارید! نگذارید!

● امروز بلاى صهیونیسم برای دنیای اسلام، بلاى نقد و فوری و دم دستی است. همیشه بلا بوده‌اند، حتّی قبل از تشکیل دولت جعلی رژیم صهیونیستی؛ آن وقت هم سرمایه‌دارهای صهیونیستی در دنیا بلا برای جان همه بودند.

گزیده بیانات در پیام به حجاج بیت الله الحرام (۱۴۰۱/۴/۱۴)

● خدای عزیز و حکیم را سپاس می‌گوییم که موسم مبارک حج را بار دیگر میعاد ملّت‌های مسلمان قرار داد و این مسیر فضل و رحمت را به روی آنان گشود.

● وحدت مسلمانان یکی از دو پایه‌ی اساسی حج است که چون با ذکر و معنویت - که پایه‌ی اساسی دیگر این فریضه‌ی پُر راز و رمز است - همراه شود، می‌تواند امت اسلامی را به اوج عزّت و سعادت برساند.

● دشمنان ملّت‌های مسلمان در تاریخ اخیر، کوشش انبوهی را برای سست کردن این دو اکسیر زندگی بخش، یعنی وحدت و معنویت، در میان ملّت‌های ما به کار گرفته‌اند.

● امت اسلامی باید از سویی؛ خدا، کار برای خدا، تدبّر در کلام خدا، اعتماد به وعده‌های خدا را در ذهنیت همگانی خویش تقویت کند، و از سویی بر انگیزه‌های تفرّق و اختلاف فائق آید.

● با قاطعیت می‌توان گفت، شرایط کنونی جهان و جهان اسلام برای این تلاش ارزشمند از همیشه مساعدتر است.

● امروز دیگر لیبرالیسم و کمونیسم به عنوان مهمترین ارمغان تمدن غرب، جلوه‌گری صد سال پیش و پنجاه سال پیش را ندارد. در دنیای اسلام، جوانان، اندیشمندان، مردان علم و دین با مشاهده‌ی این وضعیت، به دیدگاهی نو درباره‌ی ثروت معرفتی خود و نیز به خطوط سیاسی رایج در کشورهای خود دست می‌یابند.

● خودآگاهی اسلامی، پدیده‌ای شگرف و معجز‌آسا در قلب دنیای اسلام آفریده است که قدرت‌های استکباری در برابر آن بشدت دچار مشکل‌ند. نام این پدیده «مقاومت» و حقیقت آن، بُروز قدرت ایمان و جهاد و توکل است.

● امروز دنیا شاهد یک الگوی موفق و یک نمونه‌ی سرافراز از قدرت و حاکمیت سیاسی اسلام در ایران اسلامی است. ثبات و استقلال و پیشرفت و عزت جمهوری اسلامی، حادثه‌ای بس عظیم و پُرمعنی و جذاب است که میتواند اندیشه و احساس هر مسلمان بیدار را به خود جلب کند.

● در صدر فهرست این الگوی اساسی، حاکمیت اسلام در قانون‌گذاری و اجرا، تکیه بر آراء مردمی در مهمترین مسائل مدیریتی کشور، استقلال سیاسی کامل، و عدم رکون به دولت‌های ستمگر قرار گرفته است.

● دولت‌های مسلمان، و نخبگان دینی و علمی، و روشنفکران مستقل، و جوانان حقیقت‌جو بیش از همه باید به بهره‌گیری از این زمینه‌های مساعد بیندیشند.

● پریشانی و ناکامی آمریکا و همدست جنایتکار او یعنی رژیم غاصب در منطقه را میتوان در صحنه‌ی حوادث فلسطین و لبنان و سوریه و عراق و یمن و افغانستان بوضوح تماشا کرد.

● بزرگترین سرمایه برای ساختن آینده، امید و اعتماد به نفس است که امروز در جهان اسلام بویژه در کشورهای این منطقه موج می‌زند .. همه وظیفه داریم این سرمایه را حفظ کنیم و افزایش دهیم

برگرفته از فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی) پیرامون اعیاد سعید قربان و غدیر

نظام و رهبری

از قربان تا غدیر یک ارتباط «امامتی» است.

روز عید قربان تا روز عید غدیر، در واقع یک مقطعی است متصل و مرتبط با مسئله‌ی امامت. خدای متعال در قرآن یاد می‌فرماید: «و اذ ابتلی ابراهیم ربّه بکلمات فأتّمهّن قال ائی جاعلک للنّاس اماماً» (بقره: ۱۲۴) «و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم» ابراهیم از طرف پروردگار منصوب شد به امامت. چرا؟ چون از عهده امتحان‌های دشوار برآمد. مبدأ این را می‌شود روز عید قربان به حساب آورد، تا روز عید غدیر که روز امامت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه‌الاف التّحیّة و الثّناء) است. این هم به دنباله امتحانات سخت بود. امیرالمؤمنین طول حیات مبارکش را با امتحان - امتحان‌هایی که از آن سرافراز بیرون آمده است - گذرانده؛ از ۱۳ سالگی یا ۱۱ سالگی و قبول نبوت تا لیلۃ‌المبیت، یک جوان فداکار و فانی در پیغمبر که آماده است جان خود را فدای پیغمبر بکند - عملاً این را در ماجرای هجرت پیغمبر به اثبات می‌رساند - و بعد هم آن امتحان‌های بزرگ در بدر و احد و خنین و خیبر و بقیه‌ی جاها. این منصب والا، دنباله‌ی این امتحان‌هاست؛ لذا دلها متوجه شده است به اینکه بین عید قربان و عید غدیر یک ارتباط است. بعضی هم این را «دهه امامت» نامیده‌اند و نام مناسبی است. (۱۳۸۸/۹/۴)

عید قربان روز تزکیه نفس است.

آن طوری که از مجموع آنچه مربوط به عید فطر و عید قربان است، استفاده می‌شود، این روز شریف، روز طهارت و تزکیه و پاکی و پاکیزگی است. در یکی از این دو سوره‌ای که در نماز عید خوانده می‌شود، می‌فرماید: «قد افلح من تزکّی». یعنی آن کسی که خود را پاکیزه کند و دامن و روح و دل خود را از آلودگی‌ها نجات دهد، از فلاح برخوردار است. فلاح، یعنی موفقیت در میدان زندگی و رسیدن به

هدف آفرینش. در سوره رکعت دوم میفرماید: «قد افلح من زکّیها»؛ عیناً همان مضمون است. یعنی کسی که بتواند جان خود را تزکیه و پاکسازی کند، به فلاح و رستگاری دست یافته است. در هر دو سوره، صحبت از تزکیه و طهارت و پاکیزگی است. (۱۳۷۵/۱۱/۲۱)

در عید قربان؛ یک قدردانی بزرگ الهی نهفته است

اگر به حکمت مندرج در عید قربان توجه شود، خیلی از راه‌ها برای ما باز می‌شود. در عید قربان یک قدردانی بزرگ الهی نهفته است از پیامبر برگزیده حضرت حق، حضرت ابراهیم (علیه السلام) که آن روز ایثار کرد. بالاتر از ایثار جان، در مواردی ایثار عزیزان است. او در راه پروردگار، به دست خود عزیزی را قربان می‌کرد؛ آن هم فرزند جوانی که خدای متعال بعد از عمری انتظار، در دوران پیری به او داده بود؛ که فرمود: «الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسماعیل و اسحاق». خدای متعال این دو پسر را در دوران پیری، لابد بعد از یک عمر انتظار و اشتیاق، به این پدر داده بود؛ امید فرزند هم دیگر بعد از آن نداشت. سیدشهیdan همه عالم، حضرت اباعبدالله الحسین (علیه الصلاة والسلام) - که خود مظهر ایثار و مظهر شهادت است - در دعای شریف عرفه از این حادثه یاد می‌کند: «و ممسک یدی ابراهیم عن ذبح ابنه بعد کبر سنّه و فناء عمره»؛ این در دعای مبارک امام حسین در عرفه است.

این ایثار و این گذشت، یک نماد است برای مؤمنانی که می‌خواهند راه حقیقت را، راه تعالی را، راه عروج به مدارج عالیّه را طی کنند. بدون گذشت، امکان ندارد. همه امتحان‌هایی که ما می‌شویم، در واقع نقطه اصلی‌اش همین است؛ پای یک ایثار و یک گذشت به میان می‌آید. گاهی گذشت از جان است، از مال است؛ گاهی گذشت از یک حرفی است که کسی زده است، می‌خواهد با اصرار و لجاجت پای آن حرف بایستد؛ گاهی گذشت از عزیزان است؛ فرزندان، کسان. امتحان یعنی عبور از وادی محنت. یک محنتی را، یک شدتی را جلوی پای یک انسانی یا یک ملتی می‌گذارند؛ عبور از این محنت، امتحان است. اگر توانست عبور کند، به آن منزل مقصود می‌رسد؛ اگر نتوانست - نتوانست استعداد مندرج در وجود خود را بروز دهد، نتوانست بر هوای نفس غالب بیاید و عبور کند - می‌ماند؛ امتحان این است. (۱۳۸۹/۸/۲۶)



دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به اهم چالش های ازدواج و تشکیل خانواده

نظام و رهبری

کمرنگ شدن فرهنگ وساطت

«یکی از مسائل مهم این است که رسم خواستگاری رفتن و وساطت کردن برای ازدواج دخترها، متأسفانه کمرنگ شده؛ این چیز لازمی است. افرادی هستند - سابق ها همیشه معمول بود، حالا هم با کثرت نسل جوان در جامعه ی ما، باید این رواج داشته باشد- پسرهایی را می شناسند، به خانوادهی دختر معرفی می کنند؛ دخترهایی را می شناسند، به خانوادهی پسر معرفی می کنند؛ تسهیل می کنند و آماده سازی می کنند ازدواج را؛ این کارها را بکنند. هرچه که ما بتوانیم در جامعه مسئله ی مشکل جنسی جوان ها را حل کنیم، این به نفع دنیا و آخرت جامعه ی ما است؛ به نفع دنیا و آخرت کشور ما است». (دیدار دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰)



در گذشته معمول بود که برای ازدواج، افراد خیر و مؤمنی پیدا می شدند، واسطه گری می کردند، دخترهای مناسب را، پسرهای مناسب را، معرفی می کردند، ازدواج ها را راه می انداختند؛ این کارها باید انجام بگیرد؛ باید واقعاً در جامعه یک حرکتی در این زمینه به وجود بیاید» (۱۳۹۳/۵/۱)

گرفتن روح تقدس از ازدواج

«ازدواج یک جنبه ی قدسی دارد؛ این جنبه ی قدسی را نباید از آن گرفت. گرفتن جنبه ی قدسی به همین کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه ی ما رایج شده است. این مهریه های سنگین به خیال اینکه می تواند پشتوانه ی حفظ خانواده و حفظ زوجیت باشد، تعیین می شود». (سومین نشست اندیشه های راهبردی ۱۳۹۰/۱۰/۱۴)

سخت گیری در مهریه و شرایط ازدواج

در مرحله انتخاب همسر، شرایط عجیبی را که هرگز دخالتی در کفو بودن و همتایی دختر و پسر برای آغاز زندگی ندارند، به جای دین و تقوا و اخلاق قرار داده ایم؛ مهریه را - که هدیه ای است به نشان مهر و راستی و در سنت پیامبر صلی الله علیه وآله ارزش مالی آن اصلاً مورد توجه نبوده است، بلکه

کم بودن آن نشان شگون و خوش قدمی عروس شمرده شده است - به قیمت گذاری برای دختر تبدیل کرده ایم (۱۳۸۶/۸/۱۰)



اصل قضیه ازدواج یک امر انسانی است؛ نه یک امر مادی، اسلام مهریه را قرار داده است اما مهریه، این را به صورت یک معامله‌ی دادوستدی نمی‌کند. این جا دادوستدی نیست؛ بلکه طرفین در یک جای مشترک سرمایه‌گذاری می‌کنند ... اینجا چیزی دادن و چیزی گرفتن نیست؛ بلکه هر دو نفر موجودی خودشان را در صندوق و کاسه‌ی مشترکی می‌گذارند و هر دو از آن استفاده می‌کنند. در ازدواج، قضیه این است. بنابراین، نقش مادیات در این جا باید خیلی ضعیف باشد ... بعضی‌ها چند میلیون تومان مهریه می‌گذارند؛ یعنی ازدواج را که یک امر انسانی است، به یک دادوستد و به یک کار بازاری و معامله‌گری تبدیل می‌کنند. این، تحقیر و توهین به نقش و شأن انسانیت در ازدواج است. این، کار غلطی است» (مراسم خطبه‌ی عقد ازدواج ۱۳۷۰/۴/۲۰)

آداب و رسوم غلط

«به بهانه‌ی انجام آداب و رسوم، آبروداری، حفظ حیثیت و ارزش نهادن بر دختر و پسر و... این شیرین‌ترین حادثه‌ی زندگی جوانان را به کابوسی وحشتناک تبدیل کرده‌ایم نتایج تلخ این نگاه بیمار، تعداد زیادی از جوانان را از تشکیل زندگی ناامید کرده است و تعداد فراوان دیگری را با مشکلات فراوانی در آغاز راه روبه‌رو کرده است. خانواده‌های زیادی با نزدیک شدن به زمان ازدواج فرزندان، به جای جشن و شادی عزا می‌گیرند. آسیب‌های فرهنگی، تربیتی و اخلاقی ناشی از تجرد طولانی مدت و تأخیر در ازدواج، غیر قابل محاسبه است. نتایج شوم یک شروع پُر مشقت و پُردردسر، چه بسیار کام جوانان را در آغاز زندگی تلخ می‌کند». (۱۳۸۶/۸/۱۶)

تشریفات زائد ازدواج

«خرج‌های زیاد، مجالس متعدد - که واقعاً انسان دلش می‌گیرد وقتی می‌شنود. اینها از آن مواردی است که گفتمان‌سازی می‌خواهد. خانم‌های مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه، روحانیون، به خصوص صدا و سیما و رسانه‌ها باید در این زمینه‌ها کار کنند؛ این را از این حالت بیرون بیاورند» (سومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۱۰/۱۴)



«یکی از موضوعات زنده‌ای که الان در میان مردم مطرح است، تشریفات ازدواج است. این‌گونه موضوع‌ها، موضوع‌های زنده‌ای است که طرح آن حقیقتاً در وضع زندگی مردم تأثیر می‌گذارد. تشریفات ازدواج، پدر مردم را درآورده است؛ هرچه هم گفته می‌شود، اثر نمی‌کند؛ این را شما به میان مردم بیاورید و آن کسانی که دنبال مهریه‌ی زیادی و جهیزیه‌ی آن‌چنانی هستند، یک هفته خوب عرق‌شان را در بیاورید! یقیناً کسانی پیدا خواهند شد که برای این کارها بهانه‌های معمولی را به شما خواهند گفت. - آقا اگر مهریه‌مان را بالا ببریم، دخترمان را طلاق می‌دهند. اما شما باید قبلاً مطلب را برای خودتان پخته کنید و جوابش را در دست داشته باشید؛ و تا کسی اینطور گفت و گزارشگر شما منتقل کرد، شما به زبان مناسب و با شکل هنرمندانه‌ای به او پاسخ بدهید». (۱۳۷۰/۱۱/۲۹)

امکانات ازدواج

«من خواهش می‌کنم و تقاضا می‌کنم از شماها که یک خرده امکانات ازدواج را آسان کنید. پدر و مادرها سخت‌گیری می‌کنند؛ هیچ سخت‌گیری لازم نیست. بله، یک مشکلات طبیعی وجود دارد. مسئله‌ی مسکن، مسئله‌ی شغل و از این مسائل - لکن «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛ (اگر فقیر باشند، خداوند آنها را از فضلش غنی می‌کند) خوب، این قرآن است. ممکن است جوان، الان هم امکانات مالی مناسبی نداشته باشد، اما ان‌شاءالله بعد از ازدواج خدای متعال گشایش می‌دهد. ازدواج جوان‌ها را متوقف نکنند؛ من خواهش می‌کنم که پدرها و مادرها به این مسئله توجه کنند». (دیدار دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰)

«ما باید به این وعده، مثل بقیه‌ی وعده‌های الهی که به آن وعده‌ها اطمینان می‌کنیم، اطمینان کنیم. ازدواج و تشکیل خانواده، موجب نشده است و موجب نمی‌شود که وضع معیشتی افراد دچار تنگی و سختی بشود؛ یعنی از ناحیه‌ی ازدواج کسی دچار سختی معیشت نمی‌شود؛ بلکه ممکن است گشایش هم ایجاد کند». (۱۳۹۳/۵/۱)

جهیزیه نامتعارف

«بعضی‌ها هم ازدواج را که یک امر عاطفی و انسانی و وجدانی است، به صحنه‌ی تفاخر تبدیل می‌کنند. مثلاً می‌گویند که جهیزیه‌ی ما این چیزها را داشت؛ آیا جهیزیه‌ی دختر شما هم اینها را دارد؟! تفاخر و تنافس! ... اینکه ما این‌جا را صحنه‌ی تفاخر قرار بدهیم، غلط اندر غلط است. هم محیط ازدواج را آلوده‌ی به مادیات می‌کند، هم این صحنه‌ی پاک و لطیف وجدانی را صحنه‌ی تفاخرها و تنافس‌ها و زیاده‌روی‌ها می‌کند، بعد هم این دختر و پسر از اول عادت می‌کنند که بایستی زندگی آنان بر تجمّل و تشریفات بگذرد؛ چرا؟ پس بگذارید از اول به یک زندگی متوسط عادت کنند» (مراسم خطبه‌ی عقد ازدواج ۱۳۷۰/۴/۲۰)

«جهیزیه را که هدیه خانواده‌ها برای سهل کردن آغاز زندگی و نشان محبت و دوستی پدران و مادران در زندگی فرزندان عزیزشان است، به سدّ راه زندگی آنها و مصیبت بزرگ خانواده‌ها مبدّل ساخته‌ایم. هر چه شرع آنور بر انجام صمیمانه و آسان ازدواج تأکید کرده است، ما در مقابل بر سخت کردن و انجام تکلف آمیز آن همت ورزیده‌ایم. به راستی! پایان این رقابت و چشم و هم چشمی جاهلانه و شیطانی تا کجاست؟» (۱۳۸۶/۸/۱۶)



منبع- خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۱/۴/۱۰)

جامعه اسلامی بدون فعالیت اجتماعی زن شکل نمی‌گیرد.

نظام و رهبری

جامعه اسلامی بدون کنش و فعالیت اجتماعی زن شکل نمی‌گیرد و زنان در مقام مادر بودن باید در فعالیت اجتماعی نیز ورود پیدا کنند اما باید برای رشد فرزند خود نیز برنامه‌ریزی داشته باشند.

اکنون در گام دوم انقلاب اسلامی هستیم و حماسه‌سازان باید گام دوم انقلاب اسلامی را بسازند. در گام اول انقلاب با ۳۶ هزار شهید دانش آموز به جلو حرکت کردیم و گام دوم را نیز کودکان، دانش آموزان و نوجوانان محقق خواهند کرد.

شروع گام اول با دفاع مقدس بود و شروع گام دوم با جهاد است و سازمان تبلیغات اسلامی و دستگاه‌های ذی‌ربط در این حوزه وظیفه جدی دارند و باید در تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی به خوبی عمل کنند.

سازمان تبلیغات اسلامی یکی از محورهای جدی خود را توجه به نوجوانان انقلاب اسلامی

می‌داند

و این سازمان تلاش کرده با گفتمان‌ها دستاوردهای انقلاب اسلامی را به نوجوانان منتقل کند.

هیئت یکی از خانه‌ها و خیمه‌های خوب تربیتی است، هیئت جایی است که عاطفه، فکرها و گفتمان بچه‌ها در آنجا رشد پیدا می‌کند.

هیئت مدرسه و مکتب حسینی است که بچه‌ها در آن استعدادهای خودشان را پیدا می‌کنند، با معارف حسینی آشنا و تربیت می‌شوند که در این خصوص نگاه جدیدی را به هیئت‌ها با نام حسینیۀ کودک و نوجوان برای حضور بهتر بچه‌ها در مدرسه عشق آغاز کرده‌ایم.

بچه‌ها می‌توانند مخاطب اصلی فعالیت هیئت‌ها باشند و کار حسینیۀ کودک و نوجوان کار فرعی نیست و ما امروز در میان جمع دغدغه‌مندان در عرصه حسینیۀ کودک با یکدیگر هم زبان شده‌ایم تا توجه ویژه به این موضوع صورت گیرد.

قرار بر این است در مسیر طراحی و شناسایی، یک حسینیۀ کودک با بخش‌های لازم طراحی تا در دهه اول محرم این موضوع اجرایی شود و پس از محرم شاهد روایت‌های خوب بانوان از حسینیۀ‌های کودک باشیم. بانوان همان فرماندهان تعلیم، تربیت، رشد و تعالی جامعه اسلامی هستند.

حسینیۀ کودک؛ فعالیت خودجوش بانوانی است که دغدغه تربیت در این حوزه را دارند.

بانوان دغدغه‌مند و فعال مردمی دور هم جمع شده‌اند تا با هم افزایش گام‌های جدیدی برداشته شود. حسینیۀ‌های کودک بسیاری در کشور وجود دارد که برخی از این تعداد ثبت مستقل نکرده‌اند و اگر ثبت شده‌اند با همان مجوز حسینیۀ راهبری می‌شوند و ما اکنون در تلاش هستیم این حسینیۀ‌ها هویت و برنامه مستقلی داشته باشند.

اسلام تربیت را قبل از ازدواج و حتی قبل انعقاد نطفه می‌داند و ما باید به ویژگی‌هایی همچون رشد عاطفی، فکری، شخصیتی و جنسیتی کودکان توجه کنیم.

مهدکودک‌ها یکی از ساختارهایی است که سبب می‌شود کودکان از رشد عاطفی در کنار مادر محروم باشند که باید برای این موضوع تدابیر لازم اندیشیده شود.

فعالیت اجتماعی در جامعه اسلامی یکی از وظایف زنان است و البته فعالیت اجتماعی نباید موجب شود که زن خانه را رها کند. جامعه اسلامی بدون کنش و فعالیت اجتماعی زن شکل نمی‌گیرد و زنان در مقام مادر بودن باید در فعالیت اجتماعی نیز ورود پیدا کنند اما باید برای رشد فرزند خود نیز برنامه‌ریزی داشته باشند.

یکی از مشکلات اساسی در بخش شکل‌گیری هویت این است که وظایف خود را نمی‌شناسیم و زمانی ارزش خودمان را خواهیم دانست که وظیفه خودمان را بدانیم.

تلاش کرده‌ایم در ۲ طرح دختران و پسران حاج قاسم، نوجوانان را با وظایف و هویتشان آشنا کنیم و در بخش دختران بعد از ۲ سال کار ملی این رویداد اکنون در بخش استانی در حال برگزاری است.

در این رویداد چهار موضوع از جمله اینکه نوجوانان چگونه باید میدان را شناسایی کنند، چگونه عملیات را طراحی کنند و چگونه وارد عملیات واقعی شوند را آموزش می‌بینند و روز آخر رویداد عملیات میدان را در پنج دقیقه روایت شفاهی و ۲ دقیقه فیلم روایت خواهند کرد و بدین ترتیب رشد معنوی، خانه و خانواده شخصیتی آنان دنبال می‌شود.

شهید بهشتی به ولایت مطلقه فقیه قائل است.

نظام و رهبری

من از مکتوبات شهید بهشتی به راحتی می‌توانم قائل بودن ایشان به ولایت مطلقه فقیه را دربارم همچنان که فرد دیگری در کنار من به راحتی می‌تواند قرائنی بیاورد که بگوید ایشان فقط قائل به ولایت فقیه است. چون بحث‌های آن دوران به گونه‌ای مطرح شده که تفسیر برداراست. آن دوران، دوران تکوین مفاهیم انقلاب است مثلاً از جمهوریت امام (ره) یک برداشت دارد جریان مقابلش برداشت دیگری داشت. می‌توان با مسامحه گفت قانون اساسی ما دستپخت شهید بهشتی است، چون جزو شخصیت‌های به شدت تأثیرگذار در رأی دهندگان به مواد قانون اساسی بوده است به طوری که من شنیدم هرامده ای که می‌خواسته بحث بشود اول تقریر چند دقیقه‌ای توسط شهید بهشتی صورت می‌گرفته و بعد بحث‌ها شرح و حاشیه‌ای بر تقریر ایشان.

برای استخراج نظریه شهید بهشتی بیش از توجه به قانون اساسی باید به مذاکرات پشت قانون اساسی توجه کرد. چون به نظر می‌رسد در آن مذاکرات، شهید بهشتی به ولایت مطلقه فقیه قائل است لکن این واژه به صورت فقهی در مذاکرات نیامده و اگر هم آمده به صورت اندیشه سیاسی استفاده کرده است. ولی به طور کلی درک شهید بهشتی از حکومت یک درک درستی است.

یک اختلافی وجود داشت و آن هم اینکه قانون اساسی را چگونه بنویسیم؟ عده‌ای نزد امام می‌آیند و این سوال را می‌پرسند که چرا باید قانون اساسی را فقها بنویسند و چرا ۵۰۰-۶۰۰ حقوقدان به علاوه فقها و کارشناسان آن را ننویسند؟ امام پاسخ می‌دهد: چون ما می‌خواهیم قانون اساسی اسلامی بنویسیم. اگر روزی خواستیم قانون اساسی غربی بنویسیم از حقوقدانان استفاده خواهیم کرد. پس چنین دعوایی در ابتدای کار بوده ولی خط غربی حذف شد. مفهومی که از ولایت فقیه در آن زمان به ذهن‌ها متبادر می‌شده، معنای دیکتاتوری بوده است و حتی تا به امروز هم روشنفکران ما ولایت مطلقه فقیه را خوب فهم نکردند. از امام (ره) می‌پرسند فرق میان ولایت فقیه و دیکتاتور چیست؟ می‌فرماید: فقیه، دیکتاتور نمی‌شود. عین این تعبیر را شهید بهشتی هم دارد.

شهید بهشتی در کتاب «حکومت اسلامی» وقتی بحث آزادی را مطرح می‌کند تصریح می‌کند که مرزهای این آزادی با آزادی که لیبرال‌ها و روشنفکران دارند کجاست؟ ایشان در همین مدت کمی که بعد از انقلاب در مجاری امور قرار گرفت هیچ کنش همسوبا جریان‌های روشنفکری ندارد.

ما یک اندیشه سیاسی داریم یک نظام سیاسی. اندیشه سیاسی ناظر به وضعیت مطلوب است و زمانی و مکانی نیست و وقتی طراحی می‌شود طوری طراحی می‌شود که در هر زمانی قابلیت تحقق داشته باشد. نظام سیاسی مقید به زمان و مکان است. قانون اساسی، سویه نظام سیاسی دارد نه اندیشه سیاسی. لذا می‌توان گفت

عمل شهید بهشتی در قانون اساسی بیشتر نمایان است چون قانون اساسی ناظر به تحقق اندیشه است.

نسبت جریان اصیل دینی ما و جریان روشنفکری دینی ما نسبت عموم و خصوص من وجه است یعنی یک ساحت متمایز و خاص دارند و یک ساحت مشترک. مسئله اینجاست که جریان دینی ما از پایگاه دین شروع می‌کند به ساحت غرب می‌رسد اما نقطه عزیمت جریان روشنفکری مان نقطه عزیمت معرفتی‌ش عالم غرب است و بعد به ساحت دین می‌رسد. در این مرحله یکجایی این دو باهم اشتراک پیدا می‌کنند که موافقاتی که شهید بهشتی و امثال ایشان با جریان روشنفکری دینی دارند مربوط به همین نقطه مشترک است و باید درباره این نقطه مشترک بحث کرد که نظری است یا عملی. به گمان من در تجربه انقلاب اسلامی این نقطه مشترک بیشتر عملی است. به این معنا که

شهید بهشتی در شریعتی یک ظرفیتی را می‌دیده که در ساحت عمل راهگشا بوده است.

به لحاظ نظری آقای شریعتی درحالی‌که دغدغه دینی دارد مبانی معرفتی‌ش دینی نیست، غربی است. آقای شریعتی در مقام عمل گشایش‌هایش هابی را ایجاد کرده و روایتی از دین دارد که مناسب آن فضا است. در این مسیر اما خطاهای معرفتی هم دارد. نحوه مواجهه با این خطاهای معرفتی سه گانه است. خط شهید بهشتی و مقام معظم رهبری یک مواجهه، خط علامه طباطبایی و شهید مطهری یک مواجهه و خط امام یک مواجهه دیگری است. حضرت امام دوگانه‌ای که برای شریعتی ایجاد می‌کند ماقبل انقلاب و مابعد انقلاب است.

شهید بهشتی و رهبری نگاهشان به شریعتی یک نوع نگاه همدلانه و همسوست درحالی‌که معتقدند شریعتی انحرافات دارد

که ریشه در التقاط دارد در عین حال معتقدند که آقای شریعتی شخصیت خوب و مثبتی است. شهید مطهری و مرحوم مصباح تحلیلشان این است که اختلافی که با شریعتی وجود دارد اختلاف در روش است و چون در مبنا باهم مشترکیم باید او را حفظ کنیم.

امروز ما با آن روز خیلی فرق دارد. امروز ما روز مواجهه تفصیلی معرفت انقلابی ما با دنیای غرب است. امروز انقلاب ما جهانی شده و زبان خیلی از ما امروز جهانی شده به همین دلیل در امتداد با مبانی تفصیلی انقلاب ماست. اینکه زبان امروز ما اینگونه شده نباید به معنای عدول از اصل خودمان تفسیر شود.



منبع- خبرگزاری مهر (۱۴۰۱/۴/۸)

امروز نیاز به نوآوری در بخش‌های مختلف علوم انسانی داریم.

فرهنگ و دانشگاه

درکنار نگاه به دانایی محوری و توجه به بحث اساتید و دانشجویان، لوازم و موضوعات بسیار مهمی وجود دارد که باعث خواهد شد فهم و تحول علوم انسانی را به صورت جدی‌تر در نظر بگیریم؛ از این رو اگر بخواهیم نسخه عملیاتی و عینی داشته باشیم با توجه به اینکه علوم انسانی پیچیدگی‌ها و تحولات زیادی را می‌تواند در پیشرفت جامعه ایجاد کند، باید نگاه **مقام معظم رهبری** به این حوزه را مورد توجه قرار دهیم؛ چراکه ایشان نسبت به اهمیت و جایگاه علوم انسانی یک گزاره معرفتی و مبنایی مهمی دارند مبنی بر اینکه

علوم انسانی را نه تنها برای شهر و کشور و منطقه ما دارای اهمیت ویژه‌ای می‌دانند بلکه از گزاره جهت‌دهنده جهانی نام برده‌اند.

علوم انسانی اثر پروانه‌ای در یک جامعه دارد یعنی از یک روستا، شهر و کشور تبدیل به فضای منطقه‌ای و جهانی می‌شود و این مساله مهمی است و کمتر دیده‌ایم اندیشمندان بر گزاره جهانی بودن علوم انسانی توجه کنند. مساله بعدی تحول در علوم انسانی است، یعنی تحول در این حوزه را باید به صورت کامل و جامع ببینیم به عبارت دیگر ما با اذعان به اینکه در علوم انسانی دچار عقب‌ماندگی هستیم و نتوانسته‌ایم رشد جدی مناسب را انجام دهیم، باید توجه‌مان را به نوآوری در این زمینه جلب کنیم.

اگر بخواهیم ظرفیت‌هایمان را در نظر بگیریم باید گفت ما یک فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی و استعداد برتر ایرانی داریم که می‌توانیم در بحث تحول در علوم انسانی از آن بهره بگیریم، به شرط اینکه مدیریت تحول و الزامات آن را به طور کامل مدنظر قرار دهیم. امروز سیاست‌های کلان جامعه علمی یکی از همان مولفه‌ها در حوزه مدیریت تحول علوم انسانی است و باید استفاده از علوم انسانی با نگاه نقادانه و نوآورانه و همچنین توجه به جذب افراد مستعد دنبال شود. در همین راستا از الزامات تحول هم می‌توان به بحث سرمایه‌گذاری برای تدوین علوم انسانی، عملیاتی‌شدن اقدامات تحولی و پرهیز از شتابزدگی و داشتن نگاه کاریکاتوری به علوم انسانی اشاره کرد.

مهم‌ترین پیش‌نیاز برای تحول در علوم انسانی نگاه به امر ذهنی تحول است، متأسفانه تصور می‌کنیم اگر معاونت، کمیته یا حتی دانشگاهی در این زمینه ایجاد کنیم، می‌توانیم امر تحول را محقق کنیم، درحالی که مهم‌ترین پیش‌نیاز این حوزه امر ذهنی، ادراکی و بینشی است و این مهم باید از دو جنبه موردتوجه قرار بگیرد. اول ساختار سیاسی، اجتماعی و علمی است و دیگری نیز ایجاد تغییر در جامعه خود علوم انسانی است. یعنی ساختار علمی و اجتماعی ما باید به‌صورت دقیق مباحث علوم انسانی تحول‌خواه را که می‌تواند باعث حرکت جهانی شده به رسمیت بشناسد که در این مقوله تکریم، احترام و استفاده از علوم انسانی قرار دارد.

تا وقتی امر تحول در ذهن و ساختار اجتماعی و سیاسی ما ایجاد نشود، طبیعتاً با نهادسازی و تدوین اسناد مختلف نمی‌توان کار جدی در حوزه علوم انسانی انجام داد،

بخشی از کار نیز متوجه جامعه علوم انسانی متشکل از اساتید و دانشجویان است و باید در این حوزه نیز ژن کم اثر بودن و جدی نگرفتن علوم انسانی را مغلوب و فضا را به این سمت ببریم که شرایط امروز بدون پیوست علوم انسانی و تحول در آن اصلاً شکل نمی‌گیرد. در حوزه کرونا که بیش از دوسالی می‌شود کل دنیا را درگیر کرده، شاید در ظاهر این بیماری یک ویروس بود اما دیدیم تبعات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روانی کرونا که همگی مرتبط به علوم انسانی بوده تا چه حد موردتوجه قرار گرفت.

مدیریت ویژه تحول‌خواه در علوم انسانی هم مولفه مهم دیگری است. با یک مدیریت خشک و متحجر و سیاست‌زده و مدیریتی که نگاه راهبردی نسبت به تحول نداشته باشد، اصلاً نمی‌توانیم از تحول علوم انسانی صحبت کنیم؛ یعنی نیاز به مدیریتی داریم که لوازم این تحول را بپذیرد و یکی از ویژگی‌های مهم این مدیریت هم استفاده از سلايق و اندیشه‌های گوناگون است. همچنین جدا از بحث گرایش‌ها و سلايق‌های سیاسی باید از هرکسی که در حوزه علوم انسانی صاحب‌نظر بوده، بهره ببریم و

تضارب‌آرا و اندیشه را در قالب کرسی‌های آزاداندیشی دنبال کنیم.

جامعه علوم انسانی ما نیاز به جوشش درونی و صرف فعل خواستن دارد

که هرچند درطول سال‌های اخیر کارهای خوبی صورت گرفته، اما نباید از فضاهای بیرونی یعنی حمایت‌های دولتی و فضاهای اجتماعی غافل شویم. یکی از موضوعات مهم در این زمینه آن است که مشخص شود تا امروز بخشی از بودجه پژوهشی وزارتخانه کجا هزینه شده است؟ چراکه طبیعتاً قسمت مهمی از این بودجه‌ها می‌تواند بحث کاربردی‌سازی و ارائه راه‌حل توسط علوم انسانی تحول‌خواه باشد.

مساله آخر نیز توجه به بحث نواندیشی و نوآوری است. در علوم انسانی با توجه به مبانی ایرانی – اسلامی و رویکرد جهانی که داریم نیاز به نوآوری هم وجود دارد که در آن حتماً باید از مبانی غنی فرهنگی خودمان استفاده کنیم اما مساله اصلی اینکه این مبانی با توجه به تجارب مثبت بشری در مقام استحصال است و باید آنها را از فضای فکر خارج در رویکرد تحول‌خواه به اجرا برسانیم. درنهایت هم باید از وحدت حوزه و دانشگاه به شکل جدی به‌عنوان یکی از مولفه‌های تحول در علوم انسانی نام برد که این وحدت طی سال‌های اخیر دچار مشکلاتی شده و نیاز به یک بازنگری در این حوزه با نگاه فناوری نرم داریم.

فرهیختگان

منبع- روزنامه فرهیختگان (۱۴۰۱/۴/۸)

"دانشگاه تراز انقلاب اسلامی" پیش‌نیاز تولید "علم نافع" است.

فرهنگ و دانشگاه

انقلاب اسلامی که به پیروزی رسید، نظریه‌هایی از طرف روانشناسان و جامعه‌شناس‌ها در پژوهش‌کده‌ها، اندیشکده‌ها و دانشگاه‌های دنیا در غالب کتاب‌های مختلف در رابطه با انقلاب‌های دنیا بیان کردند که حکومت‌ها در دنیا به سمت سکولاریزم در حرکت اند و دین از مدار حکومت در حال کنار رفتن است اما انقلاب اسلامی این دستگاه معادلات استکبار جهانی را به هم ریخت و اکثر نظریه‌پردازها به این نتیجه رسیدند که ما در همه نظریات خود که در کتاب‌ها و در سندهای علمی به چاپ رسیده باید تجدیدنظر کنیم چراکه در انقلاب اسلامی، حکومتی سرکار آمده که شعارش استقرار حکومت دینی مبتنی بر مبانی اسلام ناب است...

هدف انقلاب اسلامی را حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری بسیار خوب بیان کرده‌اند هدف این است که ان‌شالله تمدن اسلامی بتواند براساس اصول و مبانی انقلاب اسلامی جامعه بشری را به سعادت که خداوند متعال وعده آن را در قرآن مجید داده است برساند و ان‌شالله به قرب الهی برسیم غرب علی‌رغم همه پیشرفت‌هایی که داشته نتوانسته است آن آرامش و سعادت را که جامعه بشری باید به آن برسد را محقق کند و ان‌شالله تمدن اسلامی قرار است این کار بزرگ را انجام دهد.

اگر قرار است آرمان بزرگی را که حضرت امام (ره) تعریف کرده است به طور مستمر دنبال کنیم نقش دانشگاه‌ها در آن چیست و این مراکز علمی چه کارهایی را باید انجام دهند؟ دانشگاه‌ها هم در پیروزی انقلاب اسلامی و هم در استقرار انقلاب اسلامی و هم در استمرار انقلاب اسلامی توانسته‌اند موفقیت‌های زیادی را برای انقلاب اسلامی به ارمغان بیاورند و اینکه الان می‌بینید که

انقلاب اسلامی و کشور ایران در همه زمینه‌ها جزء ۱۰ کشور برتر دنیا قلمداد شود، یکی از عناصر و مؤلفه‌های موفقیتش همین مؤلفه‌های علم و فناوری است

که دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور به ارمغان آورده‌اند.

باید ببینیم که آیا در چله دوم انقلاب این مسیر ادامه‌دار است یا همانطور که بعضی از دولت‌مردان

ما هم شعار داده بودند، ما به بن بست رسیده ایم؟! در میانه همین مباحث، حضرت آقا با تدوین و صدور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، نقشه راه انقلاب اسلامی را برای یک افق بلندمدت ترسیم کردند و آرمان آن ایجاد تمدن اسلامی و حاکمیت اسلام بر جهان شد.

اگر ایران قوی به مثابه الگوی تمدن اسلامی تحقق بیابد مطمئناً ما به قدرت بین المللی هم به لحاظ نرم افزاری و هم به لحاظ سخت افزاری خواهیم رسید. خدا را شاکریم که در حوزه سخت افزاری در بحث های مختلف، زیرساخت های مختلفی در کشور شکل گرفته است و روند رو به رشدمان خوب است اما در حوزه نرم افزاری مشکلاتی داریم. باید ببینیم که امروز وضع ایران چگونه است و یک تصویری از ایران موجود داشته باشیم که بعد از آن با تعریف یکسری راهبردها بگوییم که چگونه می خواهیم از وضع موجود به وضع مطلوب برسیم؟

نکته مهمی که حضرت آقا بارها توضیح داده و تأکید داشتند این است که به "جهاد تبیین" نیاز است تا علی رغم تحریف ها، تخریب ها و تضعیف ها؛ مردم را با واقعیت های انقلاب اسلامی آشنا کرد. در حوزه سیاسی پیشرفت خیلی خوبی داشته ایم، همه ارکان نظام توسط مردم تعیین می شوند و این یک استقلال سیاسی است که یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است که کمتر به آن پرداخته شده است. ما در حوزه دفاعی و امنیتی کشور به کسب استقلال رسیده ایم و با بازدارندگی فعال، توانایی تعقیب متجاوز را داریم یعنی اولاً کسی جرأت حمله به کشور را ندارد و اگر هم بخواهد کاری را با ما انجام بدهد ما متجاوز را تعقیب و تنبیه می کنیم.

در حوزه اقتصاد، هدف دشمن، فروپاشی اقتصادی نظام بود و باید ببینیم آیا کشور به فروپاشی اقتصادی رسیده است؟ در پاسخ باید بگوییم که خیر، بلکه از آن جلوگیری هم کرده ایم، پس این هم یکی از پیشرفت های حوزه ای کشور است اما باید توجه کنیم که آسیب های نقطه ای داریم، اگر بخواهم چند مورد از آسیب های نقطه ای را مثال بزنم یکی از آنها بحث معیشت مردم است که مباحث دیگری از جمله بحث طلاق، اعتیاد، حاشیه نشینی، آسیب های اجتماعی و... است که این ها نقاط آسیب پذیری ماست.

برنامه دشمن برای این حوزه هایی که پیشرفت در آنها محقق شده است و برای این نقاط آسیب پذیر چه چیزی است؟

جریان تحریف با محوریت دشمن به دنبال روایت گیری پیشرفت های نقطه ای است،

یعنی پیشرفت‌های کشور را نقطه‌ای تعریف می‌کند، یعنی اینکه اگر پیشرفتی در جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است یک فرد توانسته است که این کار را انجام بدهد و در زمینه نقطه‌ای هم این اتفاق افتاده و فراگیر و حوزه‌ای نیست و برخلاف آن، آسیب‌ها را در زمینه حوزه‌ای و فراگیر تعریف می‌کند و طبق ۳ قانده جنگ روانی، جنگ اقتصادی و تحریم و مقابله با پیشرفت‌های علم و فناوری

در مورد اول؛ جنگ روایت‌گری، جنگ تصویرسازی و شبکه‌های اجتماعی دارد و عملاً با ایجاد جنگ روانی و با روایت‌گری غلط و تحریف و بعضاً تخریب و تضعیف در حال جلو بردن برنامه خود در این زمینه است.

در مورد دوم؛ که اشاره شد و در مورد سوم؛

دشمن در حال مقابله با پیشرفت‌های کشور در زمینه علم و فناوری است که آن را به صورت علنی اعلام کرده است.

در کشور نیاز به انسان تراز انقلاب اسلامی و نظامات انقلاب اسلامی داریم و سومین نیاز هم علم و فناوری نافع است که بتواند هم در حوزه‌های نرم و هم حوزه‌های سخت، نظام مسائل انقلاب اسلامی را حل کند و هر سه این موضوعاتی که برای عبور از وضع موجود نیاز هستند تا به وضعیت مطلوب برسیم، خروجی‌های دانشگاه تراز انقلاب اسلامی است. پس باید حتماً برنامه‌ریزی کرده تا به دانشگاه تراز انقلاب اسلامی برسیم و

خروجی‌های دانشگاه تراز انقلاب اسلامی از این جنس است، انسان‌ها و مدیران تراز را تربیت می‌کند، علم نافع تولید می‌کند و ما را به فناوری‌ها می‌رساند، ما را به محصولات دانش‌بنیان رسانده و می‌تواند نظام مسائل انقلاب اسلامی را حل کند.

اگر قرار باشد تحولی در دانشگاه‌ها و بر حکمرانی انقلاب اسلامی اتفاق بیافتد امامین انقلاب اسلامی فرمودند مبدأ این اتفاق، تحول در دانشگاه‌ها است و ما باید وضعیت دانشگاه‌هایمان را به دانشگاه تراز انقلاب اسلامی برسانیم تا بتواند این خروجی‌های مدنظر را از دانشگاه‌ها داشته باشیم و این توقع بیجایی نیست. رهبری نزدیک به ۴۳ سال است که این مطالبه را بیان کرده اما هنوز هم این موضوع یکی از مسأله‌های مهم روی میز انقلاب اسلامی است. ایشان اردیبهشت

سال گذشته این مطلب را بیان کرده‌اند که زحمت‌های زیادی کشیده شده ولی ساده‌انگارانه به موضوع دانشگاه نگاه شده است و مطالبی را که باید در نظر می‌گرفتیم را در نظر نگرفته و ساده از کنار آنها گذشته و نتوانسته‌ایم که آن تحولی را که مدنظرمان است را در دانشگاه‌ها رقم بزنیم و این

مسئله تحول در دانشگاه‌ها یک راه منحصر به فرد دارد و آن هم استفاده از جوان‌ها در دانشگاه است.

در دانشگاه‌های ایران اتفاقات خوبی افتاده است و توانسته‌ایم در حوزه تولید علم به رتبه‌های بالایی برسیم اما منظور حضرت آقا از علم نافع فقط تولید علم نیست و درست است که کشور زمانی تعداد کل مقالاتمان در کل دنیا شاید به ۱۰۰۰ عدد هم نمی‌رسید اما الان این تعداد مقالات به ۷۰ هزار عدد رسیده است که از رتبه‌های بسیار پایین به رتبه‌های بالا در حدود ۲۲ الی ۲۵ و در سال جاری به رتبه حدود ۱۵ طبق نمایه‌های scopus کشور رسیده است.

تولید علم قله اولی است که باید به آن برسیم باید حتماً برای رسیدن به علم نافع در دانشگاه و مراکز علمی باید به قدرت علمی برسیم یعنی بتوانیم از علمی که توسط مراکز علمی تولید کرده‌ایم مسائل و مشکلات مهم در کشور را حل کرده و نیازهای مردم و جامعه را برطرف کنیم و در مسیر استقلال کشور کمک حال اصلی کشور باشیم و این اتفاقات در گرو آن است که همه دانشگاه‌ها به دانشگاه‌های تراز انقلاب اسلامی تبدیل شوند، دانشگاه تراز انقلاب اسلامی چه دانشگاهی است؟

مهمترین بحثی که در این زمینه وجود دارد ارزش‌های سازمانی و انقلابی است که از آن به عنوان مؤلفه‌های جهت‌ساز نام می‌بریم، یعنی باید مسیرمان را معلوم کنیم و ریلی را که قرار است قطار انقلاب اسلامی روی آن حرکت بکند را مشخص کرده و بگوییم که به سمت چه آرمانی قرار است حرکت بکند، این مؤلفه‌ها باید مبتنی بر انقلاب اسلامی و مبتنی بر قرائت‌های حضرت امام و مقام معظم رهبری از انقلاب اسلامی باشند و این می‌شود مؤلفه‌های جهت‌ساز دانشگاه تراز انقلاب اسلامی و مؤلفه دوم؛ مؤلفه استاد است.

مؤلفه سوم مؤلفه دانشجو است، جذب هدفمند دانشجو، مؤلفه چهارم رشته و دوره‌ها، مؤلفه پنجم متن و محتواست و مؤلفه بعدی مؤلفه پژوهش و تحقیق و نوآوری است و مؤلفه آخر هم سازمان‌دهی و تعاملات سازمانی ملی و بین‌المللی است. اگر این مؤلفه‌ها را در کنار هم قرار دهیم، یک دانشگاه تراز انقلاب به لحاظ استحکام درونی شکل خواهد گرفت ولی این کفایت نمی‌کند، اگر یک دانشگاهی اینگونه شکل بگیرد و یک دانشگاه تراز را بدین شکل داشته باشیم، این

دانشگاه اگر قرار باشد چرخ دنده‌هایی داشته باشد که بخوبی بچرخند و مؤلفه‌هایی را بتوانیم که به کمک این چرخ‌دنده‌ها بیایند و بچرخش درشان بیاورند قرار است چه مسأله‌ای را حل بکند و چه مأموریتی را انجام دهد؟

برای اینکه دانشگاه‌های کشور بتوانند به دانشگاه‌های تراز اسلامی تبدیل شوند مؤلفه کلیدی آنها استاد است و اساتید کشور باید اساتید تراز انقلاب اسلامی باشند، حال سؤال پیش می‌آید که استاد تراز انقلاب اسلامی چه استادی است و چه قابلیت‌هایی باید داشته باشد؟

امروز به یک گلوگاهی در دانشگاه‌ها رسیده‌ایم؛ برنامه دانشگاه‌ها برای استاد تراز انقلاب اسلامی چه چیزهایی باید باشد و برنامه نظام سلطه چه چیزی است؟ مسئله اصلی کشور، حل مسائل انقلاب اسلامی است. ان‌شالله به دانشگاهی برسیم که در خدمت مردم، جامعه و کمک‌کار رسیدن به استقلال کشور و تمدن نوین اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت (عج) باشد.



منبع - خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۱/۴/۸)

دانشگاه اگر فقط خودش را سرمایه ببیند موفق نمی شود.

فرهنگ و دانشگاه

امروز ما از دانشگاه سکومدار صحبت می کنیم که بحث اصلی من است. دانشگاه سکومدار دارد فرش دانشگاه های کشور و دانشگاه های جهان را می کشد.

دانشگاه سکومدار اولاً متناسب با مهارت های مورد نیاز، بستر آموزش فراهم می کند، آموزش آن، پیوند خورده با ظرفیت آموزشی همه اساتید جهان و همه متقاضیان و دانشجویان با مدرکی معتبر و دارای ارزش کارآفرینی است.

از طرفی باید بگویم دانشگاه ها به لحاظ نوآوری در دو سطح ساختاری و آموزشی قابل تحلیل هستند؛ در حوزه ساختاری، از نوآوری در نحوه سازمان دهی و اداره سیستم صحبت می شود بنابراین نوآوری و نحوه سازماندهی و اداره سیستم آموزشی دانشگاه و همچنین نوآوری در فرهنگ سازمانی بسیار مهم است. سازمانی که منسجم بوده و مسوولیت اجتماعی و ارتباطات توانمند دارد و گره های شبکه ای آن یکدیگر را تکمیل می کند از یک فرهنگ بهینه سازمانی برخوردار است. نوآوری در روش جذب اساتید و آماده سازی آنها نیز جایگاه مهمی دارد.

یکی از مشکلات نظام علمی ما فقدان آماده سازی مهارتی اعضای هیئت علمی برای ورود به عالم آموزش و پژوهش است.

همچنین نوآوری در پرداخت پاداش اهمیت دارد زیرا نظام پاداش ما آیین نامه ارتقاء است و روش های دیگری نداریم. و دیگر نوآوری در لایه آموزش در نظام آموزشی، در برنامه و منابع درسی، در شیوه تدریس و در تجهیزات آموزشی، در مدارج و ارزشیابی های دانشگاهی و در تکنیک های آموزشی یک ضرورت است. ما در مرحله تغییر نسلی دانشگاه قرار گرفته ایم. نسل اول دانشگاه، نسل آموزش بوده و نسل دوم نسل آموزش و پژوهش است و نسل سوم نیز بهره برداری از دانش در پیوند با

نسل چهارم دانشگاه، دانشگاهی است تمدن گرا، که با بهره‌گیری از نوآوری، ظرفیت متفاوتی را خلق می‌کند.

در نسل چهارم باز طراحی دانشگاه به سمت جامعیت تمدن گرا است، ما از دانشگاه تمدن ساز به عنوان یک واژه استفاده کرده و از کنار آن رد می‌شویم و نتوانستیم آن را در فضای آموزش و پژوهش استفاده کنیم. تمدن درباره گذشته است از سوی دیگر متفکرین آمریکایی مثل مارگرت مید، تلاش کردند فضایی را برای نگاه تمدنی ناظر بر آینده بوجود بیاورند و گفتند تمدن آمریکایی متعلق به کسانی است که در امروز و آینده زندگی می‌کنند. در واقع با این نگاه، سنت را از بین بردند و گذشته را زیر پا گذاشتند به یک نوعی وقتی بشر با گذشته خود نیست خودش را نمی‌تواند پیدا کند و دچار یک بحران هویتی می‌شود. مقام معظم رهبری آمده اند تمدن نوین اسلامی را با نگاه به آینده درباره اش صحبت کردند یعنی به نوعی گفتند ما باید آینده را بسازیم ما باید با منابعی حرکت کنیم که در آینده از آن، به عنوان یک تمدن بزرگ صحبت کنند. اجزا و عناصر تمدن نوین اسلامی، در واقع گم‌گشته‌های انسانی در این عصر است. عناصری مثل تامین عدالت فراگیر، رفع تبعیض، تامین نیازهای اجتماعی جامعه، فراگیری نظام اخلاق اجتماعی، توجه به دیگری است. تمدنی قدرتمند است که بتواند قدرت تشخیص، دریافت و عضویت اجتماعی برای همگان را داشته باشد. در مارپیچ ۳ گانه دانشگاه، صنعت و دولت که اگر این ۳ عنصر به هم وصل شود ما ۲ مارپیچ دیگر به آن اضافه خواهیم کرد که مارپیچ چهارم ادبیات، رسانه، حوزه هنر، حوزه مدنی و در یک کلمه فرهنگ بنیان و تمدن گرا شدن دانشگاه است. چنین دانشگاهی، یک دانشگاه متفاوت بوده که حل مساله می‌کند. اما چون حل مساله آن ناظر بر یک هدف محتوایی است معنا ایجاد می‌کند. اما مارپیچ پنجم پایداری است که با رویکرد الهی تبدیل به جاودانگی می‌شود.

نگرش نسل چهارم دانشگاه باید به یک فضای نوآورانه باز و پویا تبدیل شود.

دانشگاه باید موقعیت‌های پاره وقت برای متخصصان صنعتی، هنرمندان و کارکنان موسسات دولتی اجتماعی یا سایر موسسات فراهم کند.

دانشگاه اگر فقط خودش را سرمایه ببیند موفق نمی شود، ما در جامعه پر از سرمایه انسانی هستیم، اگر این سرمایه انسانی به عنوان سرمایه دانشگاه محسوب شود یک دانشگاه متفاوتی خواهد بود.

دانشگاه باید قادر باشد تا دانشمندان خارج از دانشگاه را جذب کند زیرا دانشمندان تنها با مدارک نمی شناسیم،

اگر چه تمرکز دانشگاه نیازمند به جهانی بودن است اما به یک شبکه محلی قوی نیاز دارد ما تا در محل قدرتمند نباشیم در جهان قدرت نخواهیم داشت. خیلی اوقات دیدگاه های جهانی شدن موجب می شود تا توجه به محل کاهش پیدا می کند؛ در واقع نقش دانشگاه ایجاد ارزش جهانی صرف نیست بلکه علاوه بر آن دانشگاه از امکان ایجاد ارزش توسط شبکه محلی باید برخوردار باشد.. دانشگاه سکو مدار ظرفیت آموزشی را ایجاد می کند که اولاً متناسب با مهارت های مورد نیاز، بستر آموزش فراهم می کند، آموزش آن پیوند خورده با ظرفیت آموزشی همه اساتید جهان و همه متقاضیان و دانشجویان با مدرکی معتبر و دارای ارزش کارآفرینی است.

وقتی گوگل فعالیتش را در ۱۹۹۸ شروع کرد گفتند یک جستجو گر است. اکنون بودجه تحقیقات گوگل به ۲۶ میلیارد دلار رسیده است و از بودجه پژوهشی فولکس واگن که رتبه اول جهان را داشت سبقف گرفته است. امروز گوگل وارد حوزه آموزش شده است که وقتی آنها وارد این حوزه می شوند، توانایی های زیادی ایجاد می کنند. این دانشگاه متمرکز بر رقابت پذیری در حل مسائل واقعی جامعه است و رویکرد بین رشته ای و مبتنی بر تفکر سیستمی دارد و همچنین استقبال کننده از فناوری و الگوهای مجازی است. هر کسی که توانایی ایجاد ظرفیت انبوه کردن منابع انسانی را داشته باشد به لحاظ تولید موفق می شود. امروز ۶۵ درصد جستجوی اطلاعات دنیا در گوگل انجام می شود یعنی

۶۵ درصد داده های جهان به یک معنایی توسط گوگل ویرایش می شود و در ذخیره اطلاعات گوگل قرار می گیرد. این یعنی از همه قدرت و تلاش دیگران استفاده کردن.

متأسفانه امروز فضای جستجوی اطلاعات در ایران در انحصار گوگل است که بیش از ۹۹ درصد جستجوی اطلاعات در ایران از این مسیر می گذرد.

دانشگاه جدید نیازمند فهم عمیق از ماهیت رقومی، زمان و کار مجازی است. بر این مبنا، در این وضعیت دانشگاه سکومدار نیازمند فهم سه تبدیل مهم است. یک تبدیل بزرگی که بوجود آمده تبدیل پدیده شیئی و فیزیک به پدیده رقومی یا عددی است یعنی به مجرد اینکه شما ماهیت را تبدیل به عدد می کنید قدرت تغییردرآن پیدا خواهید کرد در واقع تغییرش یک تغییر عددی است. حاکم بر این فضا الگوریتمی است زیرا عصر امروزی را عصر الگوریتم نام گذاری کردند. ماهیت رقومی قابل شکستن است به طور مثال ما وقتی یک مجسمه شیئی را درست می کنیم، اگر به آن ضربه بزنیم، خرد شده و بر روی زمین می ریزد؛ اما وقتی مجسمه رقومی درست می کنیم این مجسمه می تواند حالتش و رنگش تغییر کند و می تواند به انعطاف زمان و روز دربیاید. وقتی ساختمان ۱۰ طبقه در فضای مجازی درست می کنیم می توان طبقه ۱۰ آن را قبل از طبقه اول ساخت. تبدیل دومی که نیازمند فهم آن هستیم تبدیل در ماهیت زمان است. باید نظام آموزش ما بازنگری شود یعنی سکو ها و داده ها دیجیتالی طراحی شود. اما در موضوع تبدیل سوم یعنی تبدیل کار دستی و مکانیکی به کار مجازی است. در واقع باید بگویم کار دستی و مکانیکی موضوع استهلاک و فرسودگی و تمام شدن است اما کار مجازی هیچ کدام از این موارد را ندارد. به خاطر همین، کار مجازی ثروت آفرین است. امروز از ۱۰ شرکت برتر اقتصادی جهان، ۹ شرکت در حوزه فناوری اطلاعات هستند. اولین شرکت آمازون و دومین شرکت گوگل است. همچنین باید بگویم کار مجازی کار متمایل به بی نهایت بازده است یعنی یک کار برای بی نهایت تولید و خدمات داریم. فضای مجازی یک محیط آسان، منعطف، تعاملی و سنجش پذیر ایجاد کرده است.

ما باید به معماری فضای مجازی توجه ویژه بکنیم. ما پیشرفت فناوری را نوآوری می دانیم چون نوآوری قدرت حل مساله را دارد.



تأثیر مطالعات میان رشته‌ای در تولید علوم انسانی مؤثر

فرهنگ و دانشگاه

موضوع ارتباط تعلیمات اسلام با علوم جدید به طور کلی و مخصوصاً علوم انسانی خیلی مورد توجه علامه مصباح یزدی بود. علامه مصباح، نقد خود بر علوم جدید را درباره داده‌هایی که آن‌ها جمع‌آوری کردند، نمی‌دانست. بحث درباره ارزش‌هایی است که پشت تنظیمات این علوم هست. یعنی هر علمی چه فیزیک چه روان شناسی و... که ما در نظر می‌گیریم، از نظریه‌های مختلف تشکیل می‌شود این نظریه‌ها صرفاً بازخواندن آن داده‌ها که جمع کردند نیست سعی می‌کنند یک نظریه درست کنند؛ که در بافت این نظریه‌ها ارزش‌ها هم پیدا می‌شود. وقتی که ما این علم را می‌خوانیم گاهی اوقات صریحاً نویسنده‌ها چیزهای خلاف اعتقادات دینی می‌گویند. ایشان تأکید داشت که در علوم انسانی اهمیت ارزش‌ها بیشتر پیدا می‌شود.

بحث درباره اسلامی سازی علوم به طور کلی در میان مسلمانان در جاهای مختلف شروع شد در نیمه دوم قرن بیستم، یعنی قبل از آن بحثی درباره اسلام سازی علوم نبود. ولی بعد از جنگ جهانی دوم می‌بینیم که هم در مالزی هم در فلسطین هم در ایران چند جایی هم در آمریکا در میان مسلمانان چند جایی گفتند که این علوم‌های جدید پیش فرض‌هایی دارد که با تعلیمات که در دین هستند، همراه نیست. اما باید به این موضوع توجه داشته باشیم که بدون توجه به تعلیماتی که در دین پیدا می‌شود، نمی‌توان اسلامی سازی را دنبال کرد برنامه اسلامی سازی علوم می‌گوید، حقیقت طبیعی سازگار است با تعلیماتی که خدا در دین به ما داده است.

ارتباط این دو با یکدیگر متقابل هست.. من بنظرم در رابطه با این ارتباط باید به نظر علامه مصباح رجوع کنیم که، می‌گفتند

در علوم انسانی بیشتر ارزش‌ها نقش دارند. ارزش‌ها در دیدگاه ایشان نیز همه برمی‌گردد به غایتی که ما در رسیدن به کمالات داریم. پس اگر ما می‌خواهیم در جامعه قانون وضع کنیم باید بگونه‌ای باشد که بتواند شهروندان را به کمالات برساند.

در واقع اینجا نقش دین و آموزه‌های دینی را در علوم انسانی می‌بینیم. مسئله غایت در این بحث مهم و جدی می‌شود. غایت چیست؟ ما دنبال چه هستیم؟

ایشان می‌خواست یک فلسفه اسلامی کامل و نظام مند درست کند و انگیزه سیاسی اجتماعی برای اینکار نیز داشت. یعنی با رایج شدن علوم انسانی در جامعه مسلمانان همراه با این پیش فرض‌های غربی که معمولاً پیدا می‌شود؛ مردم از تعلیمات دینی دور می‌شوند. برای مثال ایشان در روانشناسی، نظریات فروید را می‌دید و شناخت داشت. البته به این باور داشت که در مقابل این روانشناسی و نظریات خوب و بد فروید در مورد دین یک روانشناسی اسلامی باید باشد تا مخاطب ببیند که بدیل آن هست و دین محکوم یک طرفه نشود.

ایشان هیچ وقت نمی‌گفت که مردم نباید فروید را بخوانند و این علم را کنار بگذارند. ولی ایشان می‌خواست بگوید که ما باید چیزی مطرح بکنیم به عنوان روان شناسی اسلامی که مردم بدانند که یک بدیلی هم هست

که لازم نیست که ما همه حرف‌های فروید را قبول بکنیم در عین حال که به او احترام می‌کنیم که بگوییم که ایشان سهم مهم داشت برای پیشرفت این علم ولی در آن چند چیزهایی هست که ما قبول نمی‌کنیم. به نظر من خیلی می‌تواند مفید باشد. بخاطر اینکه به نظام‌مندی علوم باز برمی‌گردد. وقتی ما از مبانی علوم انسانی اسلامی سخن می‌گوئیم و از دیدگاه‌های علامه مصباح صحبت می‌کنیم باید پشت این تلاش‌های علمی که هست یک هماهنگی باشد تا بتوان راهی برای اسلامی سازی علوم باز کرد.

متأسفانه در ایران و به طور کلی در نظام آموزشی وقتی که دانشجو درس را شروع می‌کند، حتماً آن رشته را به پایان می‌رساند.

خیلی کم هستند افرادی که وسط راه اساتید به آنها بگویند که شما نمی‌توانید و باید یک رشته دیگری انتخاب کنید. در رشته‌های علوم طبیعی بیشتر سخت گیر هستند، ولی در رشته‌های دینی و علوم انسانی و فلسفی و این نوع چیزها یک کمی شل هست و بهترین دانشجویان در ایران معمولاً به رشته‌های دیگری می‌روند و این خوب نیست.



علم نافع به معنای انحصار آموزش‌های مهارتی نیست.

فرهنگ و دانشگاه

با استفاده از نظرات نخبگان و فعالان آموزش و پرورش و در صدر آنان، معلمان، بخشی از فرآیند کارشناسی در دفاتر تألیف و گروه‌های درسی است و در حال طراحی برای گسترش آن با استفاده از سایت رشد هستیم.

عدم تناسب حجم کتاب‌های درسی با زمان آموزش نیز یکی از دیگر مسائل است که نیازمند بررسی همه جانبه است. متأسفانه زمان مصوب برای آموزش با آنچه عملاً در مدارس اجرا می‌شود، فاصله زیادی دارد و این مسئله بر چگونگی اجرای برنامه درسی و محتوای آموزشی نیز اثرگذار است. هرچند حذف بخش‌هایی از محتوا، می‌تواند جزئی از راه حل باشد، اما این مسئله باید به صورت همه‌جانبه بررسی و کارشناسی شود.

نگاه ما در سازمان پژوهش یک نگاه کلان‌کشوری است.

به طور جد بخشی از چالش‌های کتاب‌های درسی در عرصه اجرا است که این ایده‌ها درست فهم نشده و به بیراهه رفته است.

مسئله اجرا و تألیف به هم پیوسته است. به عنوان نمونه، در عناوینی مانند تفکر و سبک زندگی و یا درس آزاد در کتاب‌های فارسی، در صورتی که معلم خلاق و توانمند و با حوصله بوده، ساعات آموزشی جذاب و مفیدی برای دانش‌آموزان رقم خورده و از آن طرف، معلمانی هم بوده‌اند که کلاً درس آزاد را زائد و غیرمفید دانسته‌اند، در حالی که این درس اصلاً متناسب با اهداف تحولی و برای خلاق و فعال شدن معلم و دانش‌آموز پیش‌بینی شده است.

علم نافع، به معنای انحصار بر آموزش‌های کاربردی و مهارتی نیست، زیرا آموزش و پرورش کشور پایه نظام علمی کشور را نیز بنا نهاده و اگر درباره وضعیت علوم پایه دغدغه داریم، باید در دوره آموزش عمومی هم به این مهم توجه داشته باشیم، همانگونه که مقام معظم رهبری نیز در سخنرانی ۲۱ اردیبهشت امسال به این مسئله اشاره داشتند که دانش‌آموز باید این علوم را نیز بیاموزد.

افزودن عناوین کتاب‌های درسی جدید در اختیار سازمان پژوهش نیست، بلکه شورای عالی آموزش و پرورش است که چارچوب و عناوین دروس و ساعات آموزش را مشخص می‌کند و باید در این چارچوب عمل کرد.

زمان زیادی از عمر بسیاری از کتاب‌های درسی گذشته است و به همین خاطر، این کتاب‌ها نیازمند تغییر از نوع تحول هستند

و تغییرات حذف و اضافه‌ای، بیشتر از جنس اصلاح جزئی و مقطعی هستند.

تغییر تحولی کتاب هم نیازمند تغییر در نقشه و ساختار و چارچوبی است که کتاب بر اساس آن نوشته می‌شود و به همین خاطر، یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های کنونی سازمان، همین طراحی نقشه و ساختار جدید است. البته طرح بهسازی و غنی‌سازی برخی کتاب‌های درسی را نیز در دست اقدام داریم که سطحی از مطالبات در این زمینه، با این طرح پاسخ داده خواهد شد.



منبع - خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۱/۴/۱۱)

نقش علوم انسانی در تمدن سازی باید فعال در نظر گرفته شود.

فرهنگ و دانشگاه

وضعیت امروز علوم انسانی کشور فاجعه آمیز است، به طوری که ناامیدی بر کل این حوزه وجود دارد، متأسفانه به دلیل سیاستگذاری آموزش عالی و وجود مولفه هایی مانند نگارش مقاله ISI می بینیم که جامعه به طور کامل از علوم انسانی جدا شده است. مشکل دیگر اینکه

امروز حوزه هایی مانند فنی و مهندسی و علوم پایه بر علوم انسانی مسلط شده و این حوزه را ضعیف کرده اند.

به طوری که شاخص های ارتقا در علوم انسانی نیز از دو حوزه فنی و مهندسی و علوم پایه نشأت گرفته که این جای تأسف دارد. یکی از کارکردهای علوم انسانی تولید کتاب به جای تولید مقاله است و اگر بنا باشد یک استاد کتابی را که نگاه محققانه در آن وجود داشته باشد، منتشر کند، شاید ۱۰ سال زمان ببرد. در چنین وضعیتی با توجه به مولفه های ارتقای در نظر گرفته شده برای استادان علوم انسانی، عملاً نگارش کتاب امکان پذیر نیست. مساله ای که از آن غفلت شده این است که نگارش مقاله مربوط به حوزه های فنی و علوم پایه است اما همین روند را برای علوم انسانی در نظر گرفته و فراموش کرده اند گاهی یک استاد این حوزه با نگارش یک کتاب کل دنیا را تحت تاثیر قرار می دهد. علوم انسانی باید از دیگر علوم جدا شده و حتی وزارتخانه خاص به خود را داشته باشد.

یعنی باید وزارت حکمت و دانش انسانی را مانند کشورهای مثل آلمان داشته باشیم،

اما وضعیت در کشور ما کاملاً متفاوت است و همه حوزه ها براساس یک سیاستگذاری جلو می روند. همین مساله باعث ایجاد آسیب هایی در حوزه علوم انسانی شده است. به عبارت دیگر در دنیا علوم انسانی بر دیگر علوم حکومت می کند؛ چراکه علوم انسانی بسیار کلان نگر بوده ولی علوم فنی به شدت جزئی نگر است و ما به جای اینکه کلان را به جز مسلط کنیم، دقیقاً برعکس رفتار

کرده‌ایم و به همین دلیل انحطاط علوم و حتی علوم تجربی و فنی را هم رقم زده‌ایم.

نقش علوم انسانی در تمدن‌سازی باید فعال در نظر گرفته شود.

بعد از آن علوم پایه، علوم فنی و مهندسی و علوم پزشکی به ترتیب فعال می‌شوند اما شاهد هستیم که در کشور ما دقیقاً برعکس این روند دنبال می‌شود. یعنی در دانشگاه‌های ما در وهله اول پزشکی، بعد فنی و مهندسی، بعد علوم پایه و در نهایت علوم انسانی دارای اهمیت است.

به‌طور مثال در حوزه علوم انسانی همه می‌گویند در مقطع دکتری کلاس‌ها نباید با کمتر از ۳ دانشجو تشکیل شود، درحالی‌که معتقدم تنها باید یک دانشجو با یک استاد داشته باشیم، حتی در مقطع کارشناسی ارشد نیز باید همین مساله صدق کند. البته در حوزه‌های فنی و مهندسی، علوم پایه و پزشکی می‌توان این کار را انجام داد، اما چون مباحث در علوم انسانی به‌شدت تخصصی است، نمی‌توان با تعداد قابل توجه دانشجو کلاس‌ها را برگزار کرد؛ از این رو

تدریس در علوم انسانی باید به‌شدت دچار تغییر و تحول شود.

یکی دیگر از مشکلات ما در علوم انسانی نحوه برگزاری امتحانات است، یعنی به همان شیوه فنی و مهندسی و پزشکی برگزار می‌شود و سوالات طرح‌شده نیز تستی هستند، درحالی‌که اصلاً در علوم انسانی کار درستی نیست. همچنین کنکور علوم انسانی هم باید به نسبت دیگر حوزه‌ها متفاوت برگزار شود که متأسفانه اصلاً چنین نگاهی نسبت به این حوزه در بخش‌های مختلف وجود ندارد.

در علوم انسانی دانشجو باید کنفرانس‌های زیادی را ارائه دهد، در فنی و مهندسی و پزشکی، استاد و دانشجو به‌همراه یکدیگر کار را پیش می‌برند اما در علوم انسانی استاد متکلم و وحده است و به‌ندرت می‌بینیم دانشجویی کنفرانس داشته باشد؛ درحالی‌که باید در این زمینه هم تغییرات جدی صورت بگیرد. متأسفانه نهادهای سیاست‌گذاری و وزارت علوم انسانی را مغلوب گروه فنی و مهندسی و پزشکی کرده و همین مساله باعث شده امروز شاهد چنین وضعیتی در علوم انسانی باشیم.

علوم انسانی باید سیاست‌گذار کلان تمام علوم تلقی شده و تمام حوزه‌های دیگر را براساس علوم انسانی مورد سنجش قرار داد، درحالی‌که امروز وضعیت کاملاً برخلاف آن است. طبیعتاً وقتی

جایگاه علوم انسانی را از بین می‌بریم یعنی در جامعه بحران‌های مختلف ایجاد می‌شود.

همین وضعیت تورم در اقتصاد را نگاه کنید، قطعاً اگر علوم انسانی در این حوزه به‌درستی به‌کار گرفته می‌شد، شرایطمان کاملاً متفاوت از امروز بود.

فرهیختگان

منبع- روزنامه فرهیختگان (۱۴۰۱/۴/۸)

قوانین موجود به وابستگی فناوران به خارج از کشور کمک می‌کند.

فرهنگ و دانشگاه

دانشگاه‌ها به بودجه عمومی دولت متصل هستند و برای هر دانشجو سالانه ۵۶ میلیون تومان هزینه می‌شود، کاهش وابستگی دانشگاه به بودجه عمومی، تغییر رویکرد تخصیص بودجه به مدل ماموریت‌گرا، تغییر خدمات از خدمات آموزشی به خدمات دانش‌بنیان و فناورانه و همچنین بازنگری در نظام‌های دانشگاه نظیر ارتقای اعضای هیئت علمی از جمله مولفه‌های تحول در اقتصاد آموزش عالی است.

متناسب نبودن آموزش‌های دانشگاهی با نیازهای بازار کار،

حرکت آهسته بخش آموزش عالی به سمت اقتصاد دانش‌بنیان و کارآفرین، افزایش فرار مغزها و مهاجرت نخبگان و کاربردی نبودن برخی آموزش‌های دانشگاهی چالش است.

فاصله قابل توجه وضع موجود با وضع مطلوب دانشگاه تراز انقلاب، فاصله آموزش با استانداردهای آموزشی تراز جهانی، کم‌توجهی به پژوهش‌های اصیل و باکیفیت، کم‌توجهی و ارتباط ضعیف آموزش و پژوهش دانشگاهی با بخش صنعت و توجه ناکافی به علوم پایه از دیگر چالش‌های نظام آموزش عالی است.

نظام نامناسب جذب هیئت علمی، کاهش تعلق سازمانی دانشگاهیان، ضعف اخلاق حرفه‌ای و فرهنگ آکادمیک، ضعف نظارت بر کارایی دانشگاه‌ها به این صورت که بعد از دادن مجوز یک رشته، نظارت لازم بر چگونگی کیفیت ارائه آن رشته انجام نمی‌شود و همچنین عملکرد ضعیف در تجاری‌سازی دانش از دیگر چالش‌هایی است که می‌توان به آنها اشاره کرد.

فرایند دگرگونی دانشگاه‌های مدرن در نسل اول، آموزش‌محور بود و سپس به پژوهش‌محور، کارآفرین، ارزش آفرین و حکمت‌بنیان و تمدن‌ساز تغییر کرده است اما

ما همچنان در نسل دوم که پژوهش محور است باقی مانده ایم و زمین گیر شده ایم.

گزارش های پیمایش نوآوری در کشور، توسط معاونت علمی ریاست جمهوری نشان می دهد که

شرکت ها تنها پنج درصد نیاز به فناوری خود را با تحقیق و توسعه درون شرکتی، هشت درصد را با تحقیق و توسعه مشارکتی، ۱۵ درصد را با خرید دانش فنی از بنگاه ها و سازمان ها و ۷۱ درصد نیاز خود را با خرید ماشین آلات و ابزار تأمین می کنند

و جالب توجه این است که قوانین موجود نیز به این وابستگی فناوران به خارج از کشور کمک می کند به طور مثال می توان به معافیت گمرکی ماشین آلات صنعتی اشاره کرد.

تغییر و تحول در رشته های دانشگاهی و دانشگاه هایی که مورد استقبال مردم نیست و رشته هایی که دوره عمر آنها گذشته است و تعیین تکلیف دانشگاه ها و یا رشته هایی که سهم قابل توجهی در جمعیت بیکار تحصیل کرده دارند و تعیین تکلیف دانشگاه هایی که ظرفیت آنها پر نمی شود و هزینه سرانه آنها بسیار زیاد است از جمله اقدامات عملیاتی است که باید انجام شود.



منبع - خبرگزاری مهر (۱۴۰۱/۴/۱۵)

آموزش و پرورش را از این نگاه صنفی و جنگ اصناف دور باید داشت.

فرهنگ و دانشگاه

لازم می دانم به چند نکته درباره وضعیت ریاضیات و جایگاه آن در نظام علم جدید و خصوصاً وضعیت نظام آموزشی نکاتی اشاره کنم.

- ریاضیات اولین علمی است که در کتاب اصول اقلیدس صورت مدون منطقی پیدا کرده است.
- شاید همه ریاضیدانان به فلسفه ریاضی اهمیت ندهند و بسیاری از آنان حتی آن را زائد بدانند اما فیلسوف وظیفه خود را انجام میدهد. او باید از وجود و ماهیت چیزها پرسش کند.
- معنی ریاضی بودن علم جدید صرفاً این نیست که علوم به ریاضیات نیاز دارند و در محاسبات خود باید از ریاضیات بهره بگیرند. علم جدید از آن جهت ریاضی است که

جهان ریاضی شده است ما جهان را با نظر ریاضی نگاه می کنیم.

گالیله و دکارت جهان را جهان ریاضی یافتند و گالیله حتی گفت که خداوند مهندس است و جهان را با قلم ریاضی آفریده است.

- در کشور ما متأسفانه به علوم پایه چنانکه باید اعتنا نمی شود.
- بعضی از استادان و معلمان ریاضیات گله دارند که به درس ریاضیات اعتنا نمی شود و دانش آموزان به این درس علاقه ای که باید داشته باشند، ندارند.
- نکته اول: اینکه وقتی عدد دانش آموزان افزایش می یابد تعداد علاقمندان به درس ضرورتاً به نسبت افزایش تعداد دانش آموزان افزایش نمی یابد.
- نکته دوم: سرایت نوعی احساس بیهودگی و بی اعتقادی شایع در جهان است که گاهی در جاهایی روشن نبودن آینده شغلی هم بر آن مزید می شود.

- نکته سوم: پیروی دانسته و ندانسته برنامه های درسی از نظام کنکور دانشگاه هاست که دانش آموزان باید خود را آماده کنکور کنند. در این وضع فکر اینکه چه باید آموخت و برای دبیرستان چه درس ها لازم است و با چه روشی باید آموخته شوند، منتفی می شود.

- شاید بعضی از مدیران آموزش و پرورش و استادان و معلمان فکر کنند که اگر ساعات درس افزایش یابد این نقص تدارک می شود. به نظر من آموزش و پرورش را از این نگاه صنفی و جنگ اصناف دور باید داشت زیرا

برای درس خواندن و علم آموختن رغبت باید افزایش یابد و نه ساعات درسی و حجم کتاب درسی

و اگر رغبت نباشد هرچه بیاموزند چنانکه باید نمی شود.

اکنون هم برنامه یا بهتر بگویم انبوه درس های مدرسه نمی تواند تغییر کند زیرا ما به «اندازه» معتقد و راضی نیستیم بلکه «بیش از اندازه» را دوست می داریم و نمی دانیم که در مواردی بیش از اندازه خواستن افراط است. مع هذا باید گفت که اگر می خواهیم بچه ها بهتر درس بخوانند یک شرط آن و شرط مهم آن اینست که از

بمباران ذهن آنها با درس ها و کتاب هایی که احیاناً بد نوشته شده است خودداری کنیم.

کاش می توانستیم برای آزمایش مدرسه ای تأسیس کنیم که به جای اینکه دانش آموزانش در هر روز هفته پنج درس داشته باشند در هر سال بیش از پنج درس نمی آموختند و فرصت می یافتند درباره آن درس ها فکر کنند و هر کتابی که مناسب است بخوانند. البته مدرسه خوب علاوه بر برنامه خوب باید معلم خوب، کتاب خوب، فضای مادی و اخلاقی مناسب هم داشته باشد و به این جهت اجرای این آزمایش و فراهم کردن شرایط آن آسان نیست.

فضای بیرون مدرسه هم شاید آن را تاب نیاورد. به هر حال افزایش تعداد ساعات درس ریاضی وضع آموزش و فراگیری ریاضیات را بهتر نمی کند و شاید اثر منفی در وضع تحصیل دانش آموزان بگذارد مگر اینکه از درس های دیگر و از تراکم برنامه درسی کاسته شود. دانش آموزان در شرایط تراکم

درس ها یا از درس خواندن منصرف می-شوند یا باید از بامداد تا اواخر شب تکلیف های مدرسه را انجام دهند. این گروه نه فرصت دارد که آزادانه کتاب بخواند نه می تواند به اطراف و جوانب مطالب درسی فکر کند.



منبع- خبر آنلاین (۱۴۰۱/۴/۸)

افزایش ۵۳ درصدی قیمت کتاب همراه با افزایش عنوان و تیراژ

بر اساس اطلاعات کتاب‌های ثبت شده در بانک اطلاعات خانه کتاب و ادبیات ایران در سه ماه نخست سال ۱۴۰۰ در مجموع ۱۷ هزار و ۳۷۰ عنوان کتاب منتشر شده که این تعداد با افزایش ۵۲ درصدی در زمان مشابه سال ۱۴۰۱ به ۲۶ هزار و ۳۶۵ عنوان کتاب رسیده است.

بر اساس اطلاعات کتاب‌های ثبت شده در بانک اطلاعات خانه کتاب و ادبیات ایران، موضوعات ادبیات با ۵ هزار و ۲۶۶ عنوان، کودک و نوجوان با ۳ هزار و ۹۲۷ عنوان، علوم اجتماعی با ۳ هزار و ۷۶۳ عنوان و علوم عملی با ۳ هزار و ۵۴۷ عنوان بیش‌ترین سهم بازار نشر را از مجموع کل کتاب‌های منتشر شده در این سه ماه را به خود اختصاص دادند.

همچنین از مجموع کتاب‌های منتشر شده در سه ماه نخست سال جاری نسبت به زمان مشابه سال گذشته موضوعات علوم طبیعی و ریاضیات افزایش ۱۴۱ درصدی، دین افزایش ۷۶ درصدی، تاریخ و جغرافیا افزایش ۷۰ درصدی و علوم اجتماعی افزایش ۶۵ درصدی داشته‌اند.

بر اساس این آمار، از مجموع ۲۶ هزار و ۳۶۵ عنوان کتاب منتشر شده در بهار سال جاری ۱۸ هزار و ۲۳۹ عنوان کتاب تالیف و ۸ هزار و ۱۲۶ عنوان کتاب نیز ترجمه هستند که در مقایسه با بازه زمانی مشابه در سال ۱۴۰۰ آثار تالیفی افزایش ۴۹ درصدی و آثار ترجمه‌ای افزایش ۵۸ درصدی را تجربه کرده است.

همچنین ۱۶ هزار و ۱۹۰ عنوان کتاب چاپ اول و ۱۰ هزار و ۱۷۵ عنوان کتاب چاپ مجدد در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۱ راهی بازار نشر شد که در مقایسه با سه ماهه نخست سال ۱۴۰۰ در حوزه کتاب‌های چاپ اول ۴۶ درصد افزایش و در حوزه کتاب‌های چاپ مجدد ۶۱ درصد افزایش داشته است.

شمارگان کل کتاب‌های منتشر شده در سه ماه نخست سال جاری نیز ۲۶ میلیون و ۱۶۵ هزار و ۶۲۶ نسخه بوده که در مقایسه با زمان مشابه سال گذشته (۱۷ میلیون و ۶۹۸ هزار و ۵۲۰ نسخه) افزایش ۴۸ درصدی را نشان می‌دهد و میانگین شمارگان در سه ماه اول سال ۱۴۰۰ از هزار و ۳۴ نسخه با کاهش سه درصدی در سال ۱۴۰۱ به هزار و پنج نسخه رسید.

بر اساس این آمار، در سه ماه نخست سال ۱۴۰۱، بیش‌ترین افزایش شمارگان کل نسبت به سال گذشته در موضوعات علوم طبیعی و ریاضیات با ۱۷۷ درصد و رده تاریخ و جغرافیا با ۱۶۶ درصد بوده است.

قیمت کل کتاب‌ها در سه ماهه اول سال ۱۴۰۰ بر اساس آمار ثبت شده در بانک اطلاعات خانه کتاب و ادبیات ایران، هفت میلیارد و ۶۶۰ میلیون و ۶۲۲ هزار و ۲۹۴ (هزار ریال) بوده که در مقایسه با زمان مشابه در سال جاری با افزایش ۱۰۹ درصدی به ۱۶ میلیارد و ۸۶۲ هزار و ۵۵۵ (هزار ریال) رسید. همچنین میانگین قیمت هر کتاب در سال گذشته ۵۰۶ هزار و ۲۴ ریال ثبت شده که در سال جاری افزایش ۵۳ درصدی را تجربه کرد.

در سه ماه اول سال ۱۴۰۰ میانگین قیمت هر صفحه سه هزار و ۵۹۰ ریال بوده که با ۴۲ درصد افزایش در سال ۱۴۰۱ به پنج هزار و ۱۰۹ ریال رسید.

کتاب‌های سه ماه نخست سال ۱۴۰۱ از سوی دوهزار و ۶۲۲ ناشر منتشر شده‌اند که افزایش ۲۹ درصدی را در مقایسه با تعداد ناشران سه ماه نخست سال ۱۴۰۰ با دوهزار و ۳۲ ناشر را نشان می‌دهد.

در کتاب‌های ثبت شده در سه ماه نخست سال ۱۴۰۱ نام ۱۹ هزار و ۱۲ پدیدآور ثبت شده است که ۶۸ درصد آن را مردان و ۳۲ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهند. این پدیدآوردندگان شامل نقش‌های مختلف پدیدآوران ایرانی و غیر ایرانی معاصر و درگذشته است.

لازم به ذکر است آمار و اطلاعات این گزارش بر اساس شناسنامه کتاب‌های منتشر شده و مشخصات کتاب‌هایی است که بعد از دریافت اعلام وصول از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بانک اطلاعات خانه کتاب و ادبیات ایران ثبت شده است.

پدیده مهاجرت در ایران فرایندی خودکار و خودمحور است.

فرهنگ و اجتماع

اول از همه باید بپذیریم که مهاجرت فقط در ایران نیست و در همه کشورهای دنیا، موضوع مهاجرت وجود دارد و بیشتر کشورها با آن درگیر هستند و حتی در چند سال گذشته موضوع مهاجرت در دنیا بسیار پررنگ شده است. در سال ۲۰۱۵ بهران مهاجرتی به اروپا را داشتیم که گفت وگوهای جهانی در قبال آن شکل گرفت و در سال ۲۰۱۸ سازمان ملل متحد یک میثاق نامه‌ای جهانی برای مهاجرت شکل داد اما در ایران و در موضوع مهاجرت، نهاد و برنامه مشخصی از ۱۰۰ سال گذشته نداشتیم! نهاد دانشگاه یا نهادهای مختلف مدنی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته بود اما برای موضوع مهاجرت کمتر فکر شده است.

مفهوم "فرار مغزها" یا "مهاجرت یکطرفه" مربوط به اواسط یا اواخر قرن بیستم است؛ در قرن ۲۱ دیگر اصلاً مهاجرت یکطرفه معنا و مفهومی ندارد آنقدر ارتباطات، وسایل حمل و نقل، جریان آزاد اطلاعات و ... شکل گرفته است که همه کشورهای جهان اتباعی از آنها از کشور خارج می‌شود و از آنطرف نیز اتباع سایر کشورها وارد آن کشور خواهند شد.

نکته مهم و قابل ارزیابی این است که میزان ورودی و خروجی مهاجران به کشورها بررسی و با یکدیگر مقایسه شوند؛ متأسفانه ما برای سرمایه انسانی قابل توجه در کشورمان، برنامه مشخص و مدونی اصلاً نداریم. در بسیاری از کشورها سرریز منابع انسانی خود را به خارج از کشور می‌فرستند و از عواید مالی آن یا برگشت این مهاجران نیروی انسانی به کشور استفاده می‌کنند که در واقع چرخش دانش و فناوری انجام می‌شود. به عنوان مثال در کشورهای چین و هند بسیاری از سرمایه‌های انسانی این دو کشور به خارج از کشور مهاجرت کرده اما در نهایت به داخل کشورشان بازگشتند و منشا خیر و ثمر برای کشور خود شدند.

علت نگاه منفی به جریان مهاجرت در ایران این است که فکری به حال آن نکرده‌ایم و فقط منتظر این بودیم که سرمایه‌های انسانی از کشور خارج شده و خودشان نیز به کشور بازگردند!

ضمن اینکه پدیده مهاجرت در ایران فرایندی خودکار و خودمحور است؛ یک طرح کلاً در ایران اجرا شده است که آن هم طرح بازگشت متخصصان به ایران توسط معاونت علمی بوده است که در این طرح ۲ هزار نفر از فارغ التحصیلان و متخصصان دانشگاه‌های ممتاز دنیا را جذب کنیم.

مسئله مهم "مهاجرت" یکی از موضوعات حساس و چالش برانگیز جامعه امروز ایران است، با این حال همچنان اطلاعات و آمار دقیق اندکی در این حوزه در دسترس قرار دارد؛ یکی از سرفصل‌های داغ و پرحاشیه در این حوزه، موضوع خروج و مهاجرت نخبگان تحصیلی، کسب و کارها و استارت‌آپ‌ها و رتبه‌های برتر کنکور سراسری و همچنین برگزیدگان المپیادهای دانش‌آموزی بوده است و ریشه‌یابی علل و عوامل واقعی مهاجرت می‌تواند به روند "مهاجرت معکوس" در کشور سرعت شتابانی بدهد.



منبع- خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۱/۴/۱۱)

جلوگیری از مهاجرت از طریق خانه‌های خلاق نوآوری و دانش بنیان‌ها

فرهنگ و اجتماع

۲۰۰ مرکز نوآوری و ۷۵ خانه نوآوری خلاق در کشور فعالیت دارند. عمده این مراکز در مناطق کمتر برخوردار هستند تا زمینه را برای شکوفایی نوآوری‌های نیروی انسانی در این مناطق فراهم کنند. جلوگیری از مهاجرت نیروی انسانی متخصص خلاق و خوش فکر مناطق کمتر برخوردار باید از طریق خانه‌های خلاق و نوآوری، شرکت‌های دانش بنیان باشد.

اگر قرار است در کشور وزن شرکت‌های دانش بنیان و خلاق، خود را در موضوع حکمرانی خوب و حوزه نوآوری عمومی نشان دهد در جاهایی به نام نوآوری اجتماعی است. شرکت‌های نوپیان یا شرکت‌هایی که به صورت سنتی می‌دیدیم در حوزه‌های نوآوری‌های خصوصی تعریف می‌شوند که نفع آنها ممکن است لزوماً به جامعه نرسد.

زمانی که بحث نوآوری‌های اجتماعی و عمومی می‌شود تمام نفع آن به آحاد جامعه می‌رسد. قبلاً در قالب سازمان‌ها و سمن‌ها و واحدهای خیریه بوده است،

اما اکنون دولت‌ها باید این نقش را ایفا کنند.

اولین اقدام در این راستا سند تصویب توسعه ملی فناوری‌های نرم توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی بود. دومین اتفاق تصویب قانون جهش تولید دانش بنیان است که واحدها و صنایع و شرکت‌های خلاق در دل آن رسمیت پیدا کردند. قبلاً شرکت‌های خلاق ذیل معاونت علمی تعریف شده بودند، اما هویت قانونی نداشتند.

قانون جهش تولید دانش بنیان قانونی خوب و مترقی برای خانه خلاق است، به همین دلیل به این نتیجه رسیدیم که یک خانه خلاق نوآوری نوپیا این فعالیت را سازمان مند و ساختارمند و نهادسازی شده هدایت کند و هاب مرکزی این موضوع شود و نهادها و فعالیت‌ها و مؤسساتی را که در حوزه نوآوری‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند، هدایت گردند.

امروز که دولت در حال کوچک کردن ساختار خود است برابر اصل ۴۴ همه فعالیت‌های اقتصادی خود را باید به بخش خصوصی واگذار کند، این نقش را باید ساختارها و نهادهای اجتماعی که در قالب فعالیت‌های نوآوری اجتماعی به وجود می‌آیند ایفا کنند.

سند توسعه ملی فناوری نرم، یکی از سندهایی است که رشد نوآوری‌های اجتماعی برای نقش‌آفرینی بیشتر گروه‌های مردمی در حل آسیب‌های اجتماعی اولویت‌دار کشور است.

نوپا ساختاری سازمانی است که توسط ستاد اجرایی فرمان امام (ره) شکل گرفته و می‌تواند سرشبکه یا هاب (قطب) ملی این کار در دل خانه‌های خلاق و نوآوری یا خانه‌های خلاق که در مناطق کم‌برخوردار ایجاد می‌شود، باشد.

از اهداف مهم این سازه، افزایش تعداد سازمان‌ها و شرکت‌ها و افراد فعال در حوزه نوآوری اجتماعی است که کار آنها رفع آسیب‌هایی اجتماعی است. افزایش تعداد طرح‌های نوآوری اجتماعی اثر بخش، تامین مالی جمعی از دیگر اهداف است.

در باب اولویت‌ها؛ آموزش برای گروه‌های هدف اقشار آسیب‌پذیر، خانواده‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست، کودکان کار، حاشیه‌نشین‌ها و مناطق کمتربرخوردار با نوآوری‌های آموزشی و ارتقای عدالت اجتماعی از طریق دسترسی‌های همگانی در صدر توجه است.

اولویت دوم رفع محرومیت و فقرزدایی با هدف بهبود معیشت و بسترسازی ایجاد اشتغال پایدار است، که باز همان گروه‌های هدف مورد نظر است. اولویت سوم تامین سلامت برای همان گروه‌های هدف با رفع نابرابری در استفاده از خدمات بهداشتی، خدمات الکترونیک سلامت و خدمات تجهیزات توانبخشی و سالمندی است.

اولویت چهارم خانواده و سبک زندگی در نوآوری‌های خلاق است. این اولویت برای خانواده‌های زندانیان و خانواده‌های درگیر اعتیاد، بدسرپرست و بی‌سرپرست، بی‌خانمان و افرادی که براه بلاای طبیعی دچار آسیب می‌شوند با هدف پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، تسهیل ازدواج و تشکیل خانواده، فرزندآوری و سلامت روان و بهبود کیفیت زندگی این خانواده‌ها است.

تشویق و ترغیب صاحبان ایده و سرمایه‌گذاران در مشارکت در پروژه‌های ملی، منطقه‌ای و رفع چالش‌های موجود و حمایت از فعالان حوزه نوآور و ایجاد پیوند میان صاحبان ایده و فعالانی که در حوزه سرمایه‌گذاری اجتماعی یا مسوولیت اجتماعی می‌خواهند کار انجام دهند از دیگر برنامه‌ها است.



جمعیت بیشتر، به معنای تولیدکنندگان بالقوه بیشتر است.

فرهنگ و اجتماع

وضعیت درآمد سرانه جهانی نشان می‌دهد که در بازه ۶۰ ساله با افزایش جمعیت جهان حتی در کشورهایی با سطح پایین پیشرفت، مانند بورکینافاسو و بنگلادش، درآمد سرانه افزایش یافته است.

در آینده نزدیک کشور با مسئله سالمندی مواجه خواهد شد و این

موضوع مورد اجماع متخصصین است؛ حل این بحران نیازمند افزایش نرخ ازدواج و فرزندآوری در کشور است.

یکی از مهم‌ترین سؤالاتی که مطرح می‌شود این است: اگر جمعیت افزایش پیدا کند آیا وضعیت اقتصادی بدتر نمی‌شود؟! ما می‌خواهیم این مسئله را بررسی کنیم؛ آیا افزایش جمعیت موجب فقر می‌شود یا خیر؟ و آنچه به صورت عینی و تجربی در جوامع بشری رخ داده چیست؟

دیدگاه منفی درباره جمعیت معتقد است که جمعیت موجب فقر و مانع توسعه است؛ این دیدگاه توسعه را مانند قرص نانی می‌بیند که هرچه تعداد بشر افزایش یابد سهم افراد از این قرص نان کمتر می‌شود؛ شروع نظریات منفی با مالتوس بود؛

مالتوس ادعا کرد سرعت رشد جمعیت بیش از سرعت رشد غذا در جهان است و لذا با افزایش جمعیت، جهان دچار کمبود غذا می‌شود.

در نقد این نظریه باید این پرسش را مطرح کرد؛ آیا انسان فقط مصرف‌کننده است؟ حتی اگر فرض کنیم انسان تا ۱۸ سالگی مصرف‌کننده است، از ۱۸ سالگی تا ۶۴ سالگی می‌تواند مولد باشد یعنی بیش از دو برابر عمر مصرف خود، تولیدکننده است همچنین تولید درآمد یک شخص، معمولاً بیش از نیاز شخصی اوست و یک سرپرست خانواده برای چند نفر تولید می‌کند؛ بنابراین جمعیت

بیشتر، به معنای تولیدکنندگان بالقوه بیشتر است. مشکل تأمین غذا و تولید به دلیل جمعیت نیست؛ مشکل در مدیریت این جمعیت و استفاده از ظرفیت تولیدکنندگی آن است.

از جمله کنشگران توسعه، اعضای هیئت علمی هستند در سال ۲۰۰۸ اعضای هیئت علمی ایران ۱۲۶ هزار نفر و تعداد مقالات و کتاب‌ها ۱۱ هزارتا بودند، در همان سال هیئت علمی آمریکا یک میلیون و ۲۶۸ هزار نفر و تعداد تألیفات ۲۷۲ هزار بود، به‌نوعی این رقم ۱۰ برابر تألیفات اعضای هیئت علمی ایران است؛ این تفاوت ریشه در تعداد اعضای هیئت علمی آمریکا دارد.

آیا می‌توانیم ظرفیت هیئت علمی ایران را بدون افزایش جمعیت بالا ببریم؟ اگر بخواهیم تعداد هیئت علمی را حتی به یک چهارم آمریکا برسانیم، جمعیت پایه و مشاغل دیگر هم باید ۲۰۰ برابر شود، زیرا آن عضو هیئت علمی برای زندگی کردن به خدمات پزشک، مهندس، معمار، نانو، فروشنده، تعمیرکار و غیره نیاز دارد، به این خاطر باید «جمعیت پایه» افزایش یابد تا بتوان تعداد هیئت علمی و در نتیجه تولیدات آنها را افزایش داد؛ این مثال را می‌توان برای سایر کنشگران توسعه از جمله مهندسان، پزشکان و... نیز به کار برد.

اما نظریه های علمی در خصوص تأثیر جمعیت بر اقتصاد، به سمت مثبت تغییر کرده اند و افزایش جمعیت را عامل توسعه و رفاه می دانند؛

"کینز" اقتصاددان معروف، جمعیت بیشتر را موجب بازار بزرگ‌تر و افزایش تقاضای سرمایه و ظرفیت تولید بیشتر می‌داند؛ "گری بکر" افزایش جمعیت را موجب تخصصی‌سازی ملت‌ها و پیشرفت سریع‌تر می‌داند؛ "سایمون کوزنتس" رشد جمعیت را دارایی اقتصادی می‌داند و "جولیان سایمون" در کتاب «منبع غایی» که سال ۱۹۸۱ منتشر شد، می‌گوید رشد سریع جمعیت می‌تواند به تأثیر مثبت بر توسعه اقتصادی منجر شود و جمعیت را اصلی‌ترین منبع اقتصاد می‌داند.

نمودار درآمد سرانه جهانی نشان می‌دهد که در چند دهه گذشته و تا جایی که آمار وجود دارد، با افزایش جمعیت جهان درآمد سرانه (بر پایه دلار ثابت ۲۰۰۵ و با حذف تورم) نیز افزایش پیدا کرده است؛

ممکن است گفته شود در این آمار همه کشورهای غنی و فقیر وجود دارند؛ اما وقتی موضوع به تفکیک کشورها بررسی می‌شود نیز همین موضوع در هر کشور صدق می‌کند.

در کشورهای پیشرفته و سایر کشورها، حتی در کشورهای فقیری چون بنگلادش و بورکینافاسو نیز با افزایش جمعیت، درآمد سرانه نیز افزایش پیدا کرده است؛ اصولاً هیچ کشوری وجود ندارد که با افزایش جمعیت درآمد سرانه‌اش کاهش پیدا کرده باشد یا حتی ثابت مانده باشد؛ بلکه در همه کشورها روند افزایشی داشته است.

مجموع مطالعات تجربی نشان می‌دهند که جمعیت قطعاً تأثیر منفی بر توسعه اقتصادی نمی‌گذارد؛ حداکثر آن است که اگر هم نظریه‌های خنثی پذیرفته شوند به این معنی است که جمعیت تأثیری بر اقتصاد نمی‌گذارد؛ می‌توان جمع‌بندی کرد،

جمعیت و افزایش آن مسئله نیست بلکه مسئله در مدیریت است؛ ما باید مدیریت اقتصادی را درست کنیم و نباید نگران جمعیت باشیم؛

از متخصصین و رسانه‌ها انتظار می‌رود این واقعیت‌های تجربی را با مردم و مسئولان در میان بگذارند و صورت مسئله را از جمعیت به مدیریت تغییر دهند؛ این شاه‌بیت تمام بحث‌های امروز ماست.



اتفاق مهم جامعه ایران «شکاف اجتماعی» است نه شکاف نسلی

فرهنگ و اجتماع

پژوهش‌ها نشان می‌دهد یک نوع همگرایی بین نسل‌ها از طریق ارزش‌های مدرن، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی، نهاد خانواده و جامعه مدنی به وجود آمده است. یعنی در واقع

نسل جدید آن چیزی را انجام می‌دهد که نسل قدیم درخواستش را دارد و به نوعی در امتداد آن است.

پژوهش‌های من نشان می‌دهد که

نسل میانی در جامعه ایرانی کارگزار اصلی تحولات اجتماعی بوده و نسل جوان در اختیار او برای بازیگری قرار دارد.

نسل مسن و کهنسال نیز از «بازی سازی» نسل میانی حمایت می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که در عرصه‌های گوناگونی نظیر موسیقی، مصرف، علم، مشارکت، مهاجرت و حوزه‌های عمومی این مسأله وجود دارد.

مهاجرت در ایران پدیده نسل جوان نیست، بلکه به نسل میانی هم مربوط می‌شود، کسانی که خود در جوانی اقدامی برای مهاجرت نکردند، حالا هم خود و هم نسل جوان را ترغیب به مهاجرت می‌کنند. در مورد تحصیل، ازدواج و عدم فرزندآوری و روابط جنسی و... نیز همین‌طور است.

ما چندین جامعه درون ایران داریم. جامعه ما از بالا تا پایین شکاف‌های متعددی خورده است و همین شکاف‌ها هستند که می‌توانند تحولات اجتماعی را توضیح دهند.

معمولاً مشارکت‌کنندگان در انتخابات به سه دسته اصولگرایان، اصلاح‌طلبان و جمعیت خاکستری تقسیم می‌شوند. بنابراین، سه جامعه در این مواقع کنار هم زیست می‌کنند و سه نوع کنش سیاسی انجام می‌دهند. علاوه بر شکاف‌های سیاسی این چنینی، شکاف‌های دیگری هم در جامعه به وجود آمده که ممکن است آنها را تحت عنوان «خودی» و «غیرخودی» نامگذاری یا در

تقسیماتی چون مذهبی و غیرمذهبی، غربزده و سنتی تقسیم بندی کنند. افراد حاضر در تجمع شیراز را باید نماینده بخش مهمی از جامعه دانست که در نقطه مقابل جمعیتی قرار دارند که سرود «سلام فرمانده» را می خوانند. پس حداقل می توان گفت آنچه در جامعه ایران به لحاظ عمل فرهنگی وجود دارد، دوگانه است.

جامعه ایران شکاف های متعددی از حیث سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خورده است و با جامعه ای چند صدپاره مواجه ایم. بنابراین می بینیم که در هر دوره اتفاقات مختلفی برای بخشی از جامعه ظهور می کند.

رشد تعداد منتقدان و معترضان باعث شده تا سیاست های کنترلی و نظارتی آن گونه که باید کارایی نداشته باشند. بنابراین، اتفاق دیگری در جامعه در حال رخ دادن است ولی یک عده تلاش می کنند با غربزده خواندن بخشی از جامعه از واقعیت فرار کنند. فرزندان مسئولین مدعی ارزش مداری به همان سبکی از زندگی روی آورده اند که مورد نکوهش خودشان است. لذا بدون پذیرش وضعیت فعلی نظام اجتماعی نمی توان قدمی پیش برد. نباید چنین برداشت کرد که گروهی وارد جامعه شده اند تا جامعه را به انحراف بکشانند این ها مردم همین کشورند و مسأله اصلی تن ندادن بخشی از جامعه به قواعد موجود است.

نظام تصمیم گیری، نخبگان، سیاستمداران، استراتژیست های این کشور باید وضعیت فعلی نظام اجتماعی را بپذیرند و کنش فرهنگی، سیاسی و مدیریتی را متناسب با آن ایجاد و طراحی کنند.

باید شیوه های ارتباط با جمعیت را متناسب با موقعیت طراحی کرد.

اینجاست که باید عقلا به میدان بیایند...

آینده ای که می توان برای جامعه ترسیم کرد، در بزرگ شدن جامعه غیرخودی ها و نحیف شدن جامعه خودی ها خلاصه می شود و این بسیار خطرناک است. نباید فراموش کنیم که انتظارات، ایده ها، ساختار، مناسبات و ترکیب نیروهای اجتماعی تغییر کرده است.

نخست، باید وضعیت و شرایط جامعه خود را بپذیریم. دوم، باید ضعف های خود را قبول کنیم. سوم باید به ارزیابی و آسیب شناسی اوضاع روی بیاوریم. چهارم، باید شیوه ها و روش های جدیدی برای مدیریت و کنترل و نظارت و ارتباط با جامعه برقرار کنیم. پنجم، اینکه باید جابه جایی نیروهای اجتماعی اتفاق بیفتد.

حاکمیت باید بستر به روز کردن والدین را فراهم کند.

فرهنگ و اجتماع

وقتی راجع به خانواده بحث می‌کنیم، باید بدانیم راجع به چه خانواده‌ای صحبت می‌کنیم. در فضای مجازی ما از یک جامعه سنتی به سمت جامعه مدرن مهاجرت می‌کنیم. جامعه مدرن لوازمی دارد که شاید یکی از لوازمش فضای مجازی باشد که امروزه با آن مواجه هستیم.

ما انسان‌هایی هستیم که در مقابل این گذار از سنت به مدرنیته کمی مقاومت می‌کنیم. مصلحتی را بر اساس تجربه زیسته می‌دانیم یا بر اساس تحقیق و مطالعه به این نتیجه رسیده‌ایم که اگر این گذار بدون رعایت برخی فاکتورها و شاخص‌ها صورت بگیرد، ممکن است به بشریت آسیب بزند، همان طور که اکنون به جامعه غربی هم آسیب زده و مقام معظم رهبری عنوان کرده‌اند هسته خانواده در غرب دچار فروپاشی شده است.

ما در حوزه خانواده سرمایه‌دار هستیم. یعنی از دوران ایران باستان تاکنون، خانواده کارکرد خود را دارد.

ما در بستر روابط صحبت می‌کنیم و در چند سال اخیر ارتباطات تهدیدی برای این حوزه شد. اما باز بستر سنتی تا حدودی توانسته است خود را حفظ کند، برای همین است که ما درباره آن صحبت می‌کنیم.

قاعداً اگر جامعه را با تمام پویایی‌ها و مختصات آن مورد بررسی قرار دهیم، متوجه می‌شویم

جامعه مجازی ابری بر فراز جامعه حقیقی است که تصویر جامعه حقیقی در آن ابر مجاز خود را نشان می‌دهد.

اگر امروز احساس دانشمندان و محققان این است که ما در حوزه حکمرانی مجازی چندان توفیق

نداریم، باید علت را در جامعه پایه جست و جو کنیم. یعنی حتما در حکمرانی حقیقی جامعه دچار نواقصی هستیم که باید ابتدا آنها را اصلاح کنیم در این صورت در فضای مجازی هم موفق می‌شویم. اگر خانواده‌ها توانسته باشند جایگاهشان را در فضای حقیقی حفظ کنند و کارکردشان را داشته باشند، قاعدتا در فضای مجازی هم با ریل‌گذاری موفق خواهیم شد. اما اگر جایگاهشان را حفظ نکرده باشند، باید حتما به دنبال راه‌حلی باشیم. همان کاری که غرب مدت‌ها در حال انجام آن است.

ما در ابتدا باید بدانیم که الگوی ما در جامعه از نوع توسعه‌ای است یا از نوع پیشرفتی.

زیرا این دو مفهوم از سوی اندیشمندان تفکیک شده‌اند. توسعه زمانی محقق می‌شود که مراکزی در دنیا برای آن، شاخص‌هایی در نظر می‌گیرند و حتی ممکن است شاخص‌های درستی هم نباشد. اما در مفهوم پیشرفت به اینکه فردی در خانواده بزرگ شود و رشد کند و جامعه اسلامی را به رشد برساند، توجه می‌شود. شاید یکی از اشکالات ما در طرح صیانت این است که اگرچه صیانت را قبول داریم و از جامعه لجام گسیخته گریزان هستیم، اما به تفکیک توسعه و پیشرفت نپرداخته‌ایم. اگر فرزند در فضای حقیقی به سمت اخلاق و آموزش آن حرکت کند، قطعا در فضای مجازی هم خود کنترل می‌شود. اما در این راستا

حاکمیت نیز باید بستر به روز کردن والدین را فراهم کند؛ زیرا تا پیش از این برخی از والدین نمی‌دانستند وارد چه حریمی می‌شوند.

۵۱

ما وقتی سامانه‌های جدید آمد، مدام آنها را بستیم که کار را بدتر کرد و بی حساب و کتاب به این عرصه وارد شدند، چون انسان به چیزی که منع شود، حریص می‌شود.

در حوزه فضای مجازی، سیاست‌گذاران برای دستیابی به نتیجه بهتر باید خانواده را جدی تر از امور دیگر ببینند. وقتی خانواده محور تحولات قرار گرفت در دومین گام فراهم ساختن زیرساخت امن و پاک اهمیت می‌یابد. یعنی باید در حوزه آموزش و زیرساخت‌ها حرکت کنیم.

یکی از اشکالات اساسی که ما در کشورمان داریم این است که برخی از مسئولان ما به صورت تک

بعدی به برخی موضوعات نگاه می‌کنند که چنین نگاهی هم نمی‌تواند موثر باشد.

شرکت‌های اپراتور معمولاً خانواده‌ها را به عنوان عنصر فعال نمی‌بینند، بلکه آنها را به مثابه مشتری می‌بینند.

یعنی احساسشان این است که اینترنت و فضای مجازی فضای سرگرمی است و در فضای سرگرمی افراد هر آنچه که می‌خواهند، می‌توانند انجام می‌دهند.

بعید می‌دانم برخی از مسئولان هنوز از لاک سنتی خود خارج شده باشند و بدانند برخی مفاهیم به چه معناست. این در حالی است که تا شما موضوعی را خوب نفهمید، قطعاً قادر نخواهید بود برایش سیاست‌گذاری کنید. حداقل‌ها این است که اپراتور براساس مسئولیت اجتماعی، در حوزه زیرساخت، اینترنت امن و پاک فراهم کند و نگاهش درآمدزایی صرف نباشد. در حوزه محتوا بتواند محتوای موثر و مفید تولید کند و در آموزش نقش جدی داشته باشد، این در حالی است که این موارد را کمتر می‌بینیم.



منبع - خبرگزاری ایرنا (۱۴۰۱/۴/۱۴)

کودکان کار مدرن و لزوم تغییر رویکرد عمومی در آموزش سواد رسانه‌ای

فرهنگ و اجتماع

بچه‌هایی که به هر دلیلی مجبور می‌شوند برای امرار معاش خودشان و خانواده‌شان کودکی‌شان را زیر پا بگذارند و مثل یک بزرگسال دغدغه به دست آوردن درآمد داشته باشند کودک کار هستند. بچه‌هایی هم که در فضای مجازی از آن‌ها استفاده می‌شود به اختیار خودشان فعالیت ندارند چون توانایی، ابزار و پشتوانه مالی این فعالیت را ندارند و درواقع در بهترین حالت پدر و مادرها این بچه‌ها را هدایت می‌کنند که ابزاری باشند برای جلب توجه، جلب تایید، کسب شهرت و در نهایت کسب درآمد.

در این شیوه نوین نیز کودکی بچه نادیده گرفته می‌شود و به ابزاری تبدیل می‌شود برای کسب درآمد. این کودک همه کودکی‌اش را زیر پا می‌گذارد و تلاش می‌کند برای گرفتن تایید و جلب توجه و درنهایت قربانی افرادی می‌شود که از آن سوءاستفاده می‌کنند. پس این کودک کار مدرن است حالا چرا مدرن؟ چون ابزار این کودک شیشه‌پاک‌کنی و فروش فال و آدامس نیست ابزار این کودک موبایل و اینترنت است. درواقع این کودک هم ابزاری است برای کسب اعتبار و درآمد او هم مثل همان کودکی که در خیابان کار می‌کند حق کودکی کردنش سلب شده است. کودک فعال در شبکه‌های اجتماعی همان کودک کار است اما در بستر نوین و ما به این بچه‌ها می‌گوییم «کودک کار مدرن».

در ایران برای پدر و مادری که فرزندشان را زیر سنین قانونی وارد فعالیت‌های فضای مجازی می‌کند قانون بازدارنده با ضمانت اجرایی نداریم.

این‌که چرا همه در مورد این کلیپی که اخیراً در فضای مجازی منتشر شد واکنش نشان دادند این است که مطالبی که از سوی این بچه‌ها مطرح شد مسائلی است که بیشتر افراد جامعه به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در مورد آن‌ها حساسیت دارند یعنی اگر مجرای حضور غیرقانونی و نابهنجار کودکان در فضای مجازی را یک بیماری در نظر بگیریم، این صفحه اینستاگرام که اخیر

خبرساز شد و گفته شده برخورد قضایی هم با آنها می‌شود آن قسمت از بیماری است که آدم‌ها دردش را بیشتر حس می‌کنند درحالی‌که در سرتاسر فعالیت‌هایی از این دست خطر وجود دارد.

پدر و مادرها برای این‌که اعتبار کسب کنند، بیشتر دیده شوند، برای این‌که در رقابت‌های مصرف‌گرایانه امروزی عقب نمانند و با مصرف بیشتر خودشان را به طبقه بالاتر نسبت دهند بچه‌شان را وارد فعالیت‌های فضای مجازی می‌کنند. به دلیل این‌که حضور زنان در فضای مجازی کشور ما ممکن است محدودیت‌هایی داشته باشد و آن‌قدر تاثیرگذار نیست از بچه‌ها بیشتر استفاده می‌شود.

حضور بچه‌ها جذابیت‌ها و شیرینی‌های خاص خود را دارد و مسلمانا پست‌های بچه‌ها لایک بیشتری می‌گیرد و همین به پدر و مادر اعتبار بیشتری می‌دهد

و بیشتر دیده می‌شوند.

پدر و مادرهای بسیار در خصوص استفاده از فضای مجازی هم در مورد خودشان هم فرزندان‌شان ناآگاهند.

حتی جریان‌های غالب آموزش رسانه‌ای در ایران رویکرد اشتباهی دارند. پدر و مادرها بیشتر به این سمت هدایت می‌شوند که زمان استفاده فرزندان‌شان را از فضای مجازی مدیریت کنند؛ این‌که فرزندان‌شان از چه برنامه‌هایی استفاده کند، در روز چند ساعت بازی کند، با چه کسانی در ارتباط باشد، اما مهم‌تر از این‌ها چرا و چطور استفاده کردن است. اما این مورد از سوی آموزگاران و مربیان سواد رسانه تا حد زیادی مورد غفلت قرار گرفته است. آن چیزی که مهم است این است که فرزندان ما یاد بگیرند زندگی‌شان مفاهیمی مهم دارد، حفظ حریم خصوصی و امنیت‌شان جزو این مفاهیم بسیار مهم است و برای تحقق این‌ها باید طوری از شبکه مجازی استفاده کنند که این موضوعات مهم در زندگی‌شان به خطر نیفتد. اما پدر و مادرهای ما از این موضوع آگاهی ندارند پس ما نیازمند تغییر رویکرد عمومی در آموزش سواد رسانه‌ای هستیم.

همه آموزش‌ها باید به این منتهی شود که ما نباید مصلوب‌الاختیار این ابزار شویم و اختیارمان باید در دست خودمان باشد.

فعالیت کودکان در فضای مجازی مانع رشد آن‌ها می‌شود، از طرف دیگر بچه به این نتیجه می‌رسد من باید همه وقت و انرژی منابع معنوی و مالی‌ام را خرج این بکنم خودم را در یک قاب عکس به افراد ارائه کنم و آن‌ها برای من کف بزنند یعنی پدر و مادر سدی محکم جلوی رشد و شکوفایی بچه خودشان ساخته‌اند.

تا سنین زیر ۱۵ سال باید به صورت مستقیم بر استفاده بچه‌ها از اینترنت نظارت شود در غرب هم این مسائل وجود دارد. فشن کودکان و به طور کلی استفاده ابزاری از کودکان حتما در این جوامع هم وجود دارد. ما نمی‌توانیم بگوییم اگر در غرب آگاهی‌بخشی بیشتر از اینجاست پس جرم هم کمتر است اما مشکل ما این است که ما از لحاظ قانونی از آن‌ها عقب‌تریم در بسیاری از کشورها اگر پدر و مادری صفحه‌ای عمومی داشته باشند و مدام تصویر کودکان را به اشتراک بگذارند این قابلیت وجود دارد که از آن‌ها شکایت شود و برخورد قضایی با آن‌ها می‌شود. در مورد پورنوگرافی کودک قانون به شدت قوی عمل می‌کند اما در ایران این قوانین را نداریم یا اگر هم داریم تا به جای حادی نرسد، ضمانت اجرایی خاصی ندارد. در کشورهای پیشرفته اگر می‌بینیم جرم‌هایی از این دست کاهش می‌یابد به دلیل این است که قانون‌های دقیق‌تری وضع می‌کنند که ضمانت اجرایی بالایی دارد.



منبع- همشهری آنلاین (۱۴۰۱/۴/۷)

حواسمان به آسیبی که از روی جهل یا بی‌سوادی به ما وارد می‌شود باشد.

فرهنگ و اجتماع

در چند سال اخیر شاهد رشد و شتاب روزافزون در فضای مجازی، رسانه‌ها، پلتفرم‌ها و اپلیکیشن‌های پیام‌رسان هستیم؛ اتفاقی که شاید تا ۲۰ سال پیش تصور آن هم نمی‌شد. به مدد رشد و شتاب این فضا، مرزهای جغرافیایی تقریباً برداشته شده و افراد بدون هیچ واسطه با هم گفت و گو می‌کنند. به همین دلیل بسیاری از امور دستخوش تغییراتی شده است. در واقع باید گفت فاصله‌ها از بین رفته و فضای مجازی در عمق و جان مردم نفوذ کرده است.

یکی از این چالش‌های اساسی، عنان گسیختگی این فضا و عدم تعریف چارچوب مشخص برای آن است

و به سمت تعریف چارچوب برای آن نرفته ایم و چارچوب‌گذاری را سلب آزادی انسانها تلقی می‌کنیم، در حالی که کشورهایی که خود این فضای آزاد را ایجاد کرده اند، در چند سال اخیر سیاست‌های نظارتی را بر آن اجرا کرده‌اند.

یکی از دلایل گریزان بودن مردم از حکمرانی فضای مجازی، سابقه اقداماتی است که توسط مسئولان انجام شده و در طی زمان در ذهن مردم باقی مانده است.

مثلا با زور در پلتفرم ایرانی می‌روند. این ناشی از سوابق منفی قبلی در ذهن مردم است.

مقدمات حضور پررنگ در فضای مجازی و اتفاقات نوین به فضای حقیقی برمی‌گردد.

به عبارتی درست است که در فضای مجازی، زیستی در حال رخ دادن است، اما این زیست متأثر از فضای حقیقی انسان‌هاست و بنابراین امری جداگانه‌ای نیست. ما باید امر حقیقی و فیزیکی موجود را اصلاح کنیم. زیرا کسانی که چارچوب درستی دارند، ممکن است آسیب بخورند، اما اصول

و اخلاقیات و چارچوب‌ها را در فضای مجازی هم رعایت می‌کنند.

از جمله مزایای فضای مجازی، آشنایی ما با فرهنگ‌های مختلف، برقراری ارتباطات گسترده و بهره‌مندی از منابع علمی و اطلاعات در اقصی نقاط جهان است؛ به ارتباطات انسانی و خانوادگی هم کمک کرده و این از فرصت‌های فضای مجازی است. با این حال باید حواسمان به بعد دوم قضیه یعنی چالش‌های فضای مجازی نیز باشد.

از جمله این چالش‌ها، کم‌رنگ‌تر شدن فضای روابط عاطفی میان انسان‌ها، پرخاشگری و افت تحصیلی دانش‌آموزان، پایین آمدن ساعات مطالعه و مطالعه عمیق، خصوصا در میان نوجوانان و جوانان و شکل‌گیری شخصیت دوگانه در میان انسان‌هاست؛ مثلا کسی که با هویت و جنسیت دیگری در فضای مجازی حضور پیدا می‌کند اینها آسیب‌های جدی در فضای روحی و شناختی بچه‌ها ایجاد می‌کند.

اکنون سلاح یادگیری خودانگیزه در اختیار کودکان است. کاری که حکمرانی می‌تواند انجام دهد، تبدیل تهدیدها به فرصت‌هاست. در واقع باید به سمت نظام‌مند کردن آن فضا رفت. زیرا اینطور نیست که بتوان در این فضا هر حرف و یا کاری را بی‌پروا انجام داد. باید در چارچوبی قرار گرفت و بر اساس آن عمل کرد و این حق حاکمیت است. همچنین باید حواسمان به آسیبی که از روی جهل یا بی‌سوادی به ما وارد می‌شود، باشد. باید خود و کودکان را آماده کنیم و نوعی «رژیم مصرف» را به آنها آموزش دهیم. در این صورت می‌توانیم جلوی ۵۰ یا ۶۰ درصد آسیب‌ها را بگیریم.

آدم‌ها را نمی‌شود قالب زد، باید آنها را آگاه کرد و کار حکمران، دادن این آگاهی‌هاست. در این صورت اتفاقات خوب بیشتر می‌افتد و انسان‌ها با انتخاب آگاهانه خود اتفاقات خوبی را رقم می‌زنند.

ما شبکه‌ای داریم که همه در آن به دنبال آزادی و تهی بودن از سانسور و کنترل هستند، اما باید یک وظیفه خانواده‌ها و پدر و مادرها را مکرر تذکر دهیم و آن آماده کردن فرزندان برای دنیای امروز و فعالیت در عرصه اینترنت است. هر چند این نکته به معنای این نیست که به آموزش مهارت‌های پیچیده بپردازیم.

نسل ما فضای حقیقی را کاملا تجربه کرده و الان در مواردی در حال مهاجرت به فضای مجازی است. اما

نسل Native Digi که از ابتدای تولد فضای مجازی را تجربه کرده‌اند، آموخته‌های قبلی را ندارند و به سئوال‌تشان پاسخ نداده‌ایم.

باید مهارت‌های چهارگانه زبانی در کتاب بر اساس نظریه، نه شناخت تجربی تقویت شود.

فرهنگ و اجتماع

شاید بتوان گفت

مشکل ضعف ادبیات، نبود متون ادبی جالب و جذاب است که از برجسته‌سازی، ادبیت متن و پیرنگ‌پردازی (یرنگ نقد رویدادها در داستان یا درام، با تأکید بر رابطه علیت خوبی برخوردار نیستند

یا از نظر محتوایی برای دانش‌آموزان جذابیت ندارند.

دانش‌آموزان ایرانی متأسفانه با کتاب‌های درسی ارتباط برقرار نمی‌کنند و چنین می‌پندارند که اطلاعات آن را باید حفظ کنند؛ این دیدگاه از دیرباز در مدارس ما وجود داشته است که کتاب درسی، مخزن اطلاعات و ذهن دانش‌آموزان انباری است که باید این اطلاعات را تا روز امتحان در خود حفظ کند!

زبان و ادبیات از یکدیگر جدا نیستند، زبان با فرایندهای ادبی مثل برجسته‌سازی و انواع هنجارگریزی و هنجارافزایی به ادبیات تغییر می‌یابد. نظریه ادبی بر این اصل استوار است که ذهن انسان محاکاتی است؛ یعنی داستان‌ساز است و با داستان زندگی می‌کند و اینگونه یاد می‌گیرد؛ در نتیجه حیطه گرایشی یا عاطفی یادگیری تحریک می‌شود و یادگیری بهتر اتفاق می‌افتد.

علاوه بر حیطه شناختی، باید به حیطه عاطفی در گزینش متون و تألیف آنها توجه کنیم حتی به حیطه حسی حرکتی و مهارتی و عناصر مثل تقلید، نوآوری و خلاقیت توجه خاصی داشته باشیم.

در آموزش و پرورش یادگیری به مثابه تغییر رفتار، کمتر مورد توجه قرار گرفته و حتی معلمان و دانش‌آموزان از این تعریف یادگیری شناختی ندارند،

بنابراین از جریان یادگیری لذت نمی‌برند؛ در نتیجه با متون درسی ارتباط برقرار نمی‌کنند همچنین این دیدگاه کمیت‌گرا، حجم‌گرا و حافظه‌محور علاوه بر آن نبود نظریه و روش در تألیف کتاب‌های درسی خود از عوامل اصلی ضعف دانش‌آموزان در همهٔ دروس به خصوص زبان و ادبیات فارسی است.

دلیل دیگر ضعف دانش‌آموزان ایرانی در تسلط بر زبان فارسی نبود برنامه‌ریزی آموزشی برای رشد زبانی از پیش از دبستان تا آخر دبیرستان در این حوزه است. کودکان از پنج ماهگی شروع به زبان‌آموزی می‌کنند و تقریباً تا پنج سالگی دوره حساس زبان‌آموزی را می‌گذرانند؛ اگر در این پنج سال در معرض زبان قرار نگیرند، دیگر هرگز زبان و تفکر را فرا نمی‌گیرند.

برای این دورهٔ حساس زبان‌آموزی، در گزینش داستان، شعر و ... بر اساس معیارهای زبانشناسی و روانشناسی رفتار نمی‌کنیم، نظریه نداریم و بر حسب تجربه و سلیقه عمل می‌شود.

در کتاب‌های فارسی و نگارش، مهارت‌های نوشتاری و خواندن بر مهارت‌های گفتاری و شنیداری غالب است؛ در این زمینه نیز نظریه و پژوهش نداریم،

برنامه‌ریزی زبانی نکرده‌ایم مثلاً نمی‌دانیم در ۶ کتاب نگارش دبستان، بچه‌های ما چقدر نویسندگی خلاق یاد می‌گیرند.

کدها یا ذخیره واژگانی برای دانش‌آموزان ما کم است، پردازش زبانی معلمان و دانش‌آموزان ما هم پایین است؛ شاید یکی از علت‌های اصلی این باشد که متون، خبری و مکانیکی نوشته شده‌اند، از ویرایش سبکی و ساختاری برخوردار نیستند، کدگذاری نشده‌اند، سبک‌های متنوعی ندارند، بیشتر بر اساس هرم وارونه هستند.

باید مهارت‌های چهارگانه زبانی در کتاب‌های مختلف بر اساس نظریه نه بر مبنای شناخت تجربی تقویت شود همچنین روی هوش زبانشناختی بیشتر تأمل کنیم و یکی از دلایل افت ما در امتحان پرلز نیز همین است. قدرت پردازش، درک مطلب و به طور کلی هوش زبانشناختی دانش‌آموزان ما پایین است و در نتیجه در امتحان پرلز از رتبهٔ بالایی برخوردار نیستیم.

یکی از راه‌های افزایش ذخیره واژگانی را، استفاده از راهبردهای زبانشناسی پیکره‌ای دانست که این کاری بسیار تخصصی است و زبانشناسان باید به دفتر تألیف کتب درسی در این زمینه کمک کنند.

این کار هم نیاز به نظریه و تخصص دارد. مثل تصویرسازی و گرافیک کتاب‌هاست.

راهکار دیگر کدگذاری و سبک شناسی کتاب‌های درسی است؛ کدگذاری به دنبال پیستی متن است و سبک شناسی به چگونگی ارائه و سبک بیان آن می‌پردازد. با کدگذاری، مفاهیم را غربال و توان پردازش ذهن را افزایش می‌دهیم؛ با سبک شناسی یاد می‌گیریم که چگونه مفهومی را با روش‌های مختلف بیان کنیم.

ضعف مهارت‌های چهارگانه در کتاب‌های درسی بر تضعیف این مهارت‌ها در دانش‌آموزان مؤثر بوده و مشکل اساسی ما در یادگیری نیز کتاب‌های درسی است.

در تألیف کتاب فاقد نظریه و روش شناسی هستیم، کمتر به تحلیل، ارزیابی و فرا تحلیل می‌پردازیم. در کتاب‌های راهنما نظریه و روش خاصی حتی برای تدریس ارائه نمی‌کنیم. معلمان و دانش‌آموزان ما در کتاب‌های درسی با تعدادی تصویر و بندنوشت روبرو می‌شوند. معماری و مهندسی کتاب‌ها در دست گروه تألیف است و معلم مجری آنها است بدون اینکه از چگونگی تألیف، الگوهای طراحی آموزشی، الگوها و روش‌های تدریس خاص آن کتاب اطلاعی داشته باشد.

هوش روایی باعث رشد بیانگری و داستان‌گویی در دانش‌آموزان، هوش میان فردی بر گفت‌وگو و تعامل بیشتر تمرکز دارد و هوش اجتماعی نیز منجر به شناخت رفتاری بیشتر می‌شود و هوش هیجانی فرد را با هیجانات و عواطف خودش آشنا می‌کند. هوش روایی و میان فردی نقش خاصی در گسترش ذخیره‌های وازگانی و افزایش پردازش ذهنی دارد.



منبع- خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۱/۴/۳۱)

افسارگسیختگی فضاهای مجازی گاه باعث ارائه خدمات غیرتخصصی به جامعه می‌شود.

فرهنگ و اجتماع

در حال حاضر ۳۰۰ هزار دانشجوی در کشور در حوزه مشاوره و روانشناسی تحصیل کرده و این مساله در شرایطی است که صندلی برخی از رشته‌های هم‌تراز این عرصه در دانشگاه‌های ایران خالی شده است. متقاضیان این رشته هر روز در حال افزایش و این مساله مرهون وجود سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور و همچنین فرهنگ‌سازی در زمینه مراجعه به این مراکز در صورت نیاز (در حوزه سلامت روان) است.

هزار مرکز روانشناسی و مشاوره با همکاری وزارت ورزش و جوانان به صورت مشترک فعال است. این مراکز همچنین در سازمان بهزیستی، کمیته امداد و سپاه پاسداران هم توسعه یافته است. تمامی این ساختارها با هدف استفاده عمومی از خدمات مشاوره‌ای گسترش یافته و طبیعتاً به دلیل سابقه کوتاه‌مدت در مقایسه با سازمان نظام پزشکی (با ۶۰ سال سابقه) با برخی چالش‌ها نیز مواجه است. گاه برخی نهادها به منظور نظارت بر خدمات روانشناسی و مشاوره احساس نیاز نمی‌کنند. قانون اجازه نظارت و ارزیابی بر فعالیت‌های این حوزه را صادر کرده است، اما پذیرش و الزامات مربوطه هم برای این نظارت باید وجود داشته باشد. برخی نهادها نیز اجازه نظارت بر فعالیت‌های مشاوره‌ای را به سازمان نمی‌دهند و این مساله نقض غرض (خلاف اهداف و مقاصد) است.

اکنون برخی از پلتفرم‌ها (بستر برنامه‌های نرم‌افزاری) نیز خدمات مشاوره‌ای ارائه می‌کنند، اما سازمان نظام به عنوان مسئول و متولی امر در جریان میزان اثربخشی این خدمات نیست. افسارگسیختگی فضاهای مجازی گاه باعث ارائه خدمات غیرتخصصی به جامعه شده و این مساله به عنوان یکی دیگر از چالش‌های پیش رو "اعتماد عمومی" را کمرنگ می‌کند.

برخی گروه‌ها در این فضا به دروغ، خود را روانشناس معرفی و شهروندان نیز تصور می‌کنند، این جمعیت تابع سازمان نظام و مورد تایید این مجموعه قرار داشته و این امر به اعتماد ملی ضربه می‌زند. این مساله یکی از علل اصلی انتشار فهرست روانشناس نامها توسط سازمان بود.

فهرستی که تحت عنوان روانشناس نامها با هدف نمایش اسامی اشخاص غیرروانشناس فاقد مجوز به همراه آدرس صفحات مجازی در دوم و نهم خردادماه امسال توسط این سازمان منتشر

شد، واکنش‌های متعددی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشت. یکی دیگر از چالش‌های این سازمان نگاه درمان محور نظام سلامت است.

امروز مبحث سلامت روان یک چالش ملی بوده و نگاه مسئولین کشور به این حوزه، "درمان محور" است.

در حال حاضر بودجه قابل توجهی نیز توسط دولت به این عرصه اختصاص داده شده است، اما به دلیل نوع نگاه برنامه‌ریزان، حوزه "پیشگیری از درمان" کمترین میزان سرمایه‌گذاری را دریافت می‌کند. براساس مقایسه سازمان نظام روانشناسی و مشاوره، برخی از کشورهای توسعه‌یافته (در مقایسه با ایران) سرمایه‌گذاری بیشتری در حوزه "پیشگیری" داشته‌اند. بودجه این بخش در حوزه سلامت روان ایران یک هزارم بودجه سلامت است و این اعتبار هم در اختیار دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور قرار می‌گیرد. این مساله در حالی است که یکی از دغدغه‌های اصلی مقام معظم رهبری پیشگیری از بیماری است.

این موضوع (پیشگیری مقدم بر درمان) همچنین در سخنرانی‌ها و جلسه با سازمان نظام روانشناسی مورد تاکید رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است.

خدمات روانشناسی و مشاوره کالای لوکس نیست، آحاد جامعه باید بتوانند از این خدمات استفاده کنند.

امروز اگر مسئولین ذیربط پیام مرا می‌شنوند، می‌خواهم بگویم، در زمان بحران حتی قانون معنا نخواهد داشت. در دوران پساکرونا عوارض روانی و اجتماعی افزایش یافته و این بیمه برای استفاده اقشار مختلف مردمی از خدمات مشاوره‌ای باید وضع شود.

کار تیمی و رویکرد چند نهادی را مبنای مداخلات در حوزه آسیب‌های اجتماعی قرار دهیم.

فرهنگ و اجتماع

تجربه‌های متفاوتی را در برخورد با آسیب‌های اجتماعی داشته‌ایم. در حال حاضر هم در قوه قضاییه و هم در نیروی انتظامی شاهد استقرار و تقویت رویکردهای اجتماعی در نگاه به آسیب‌های اجتماعی هستیم که این امر از دو دهه قبل آغاز شده است.

در مددکاری اجتماعی دو مأموریت کمک به ارتقای کیفیت زندگی مردم و کمک به توسعه شاخص‌های سلامت اجتماعی داریم؛ یعنی اگر این دو مأموریت و آن هدف غایی مددکاری اجتماعی که بهزیستن اجتماعی مردم است را مدنظر قرار دهیم، طبیعتاً یکی از مواردی که می‌تواند این مأموریت‌ها را تحت شعاع قرار دهد و امکان تحقق آن را کمتر کند، آسیب‌های اجتماعی است.

طبیعتاً حوزه آسیب‌های اجتماعی حوزه‌ای کاملاً مرتبط با مددکاری اجتماعی است، گرچه آنچه که امروز در این حوزه کار می‌کنیم بیشتر بعد از بروز آسیب‌های اجتماعی است.

بیشترین قدرت مددکاری اجتماعی در پیشگیری سطح یک (قبل از اینکه افراد درگیر آسیب‌های اجتماعی شوند) است. مددکاران اجتماعی در تمام سطوح پیشگیری سطح یک (اطلاع رسانی و آگاه سازی) سطح دو (مداخله و ارائه خدمات) و سطح سه (بازتوانی افراد) نقش مهم و کلیدی را می‌توانند در کنار سایر حرفه‌ها همچون روانشناسی، روانپزشکی و حقوق ایفا کنند.

امروز در کمتر مرکز اجتماعی است که مددکاران اجتماعی در آن حضور نداشته باشند. در مرکز ترک اعتیاد، زندان، اورژانس اجتماعی، در حوزه طلاق، خانواده، موضوعاتی مثل خودکشی و فرار و کودک کار و خیابان، زنان آسیب دیده اجتماعی و... مددکاران اجتماعی حضور دارند. ضمن اینکه در عرصه سیاستگذاری، پژوهش و مدیریت موسسات اجتماعی نیز مددکاران اجتماعی ایفای نقش می‌کنند چراکه ما با بهره گیری از مبانی نظری روش‌های شش گانه مددکاری اجتماعی حوزه فعالیت بسیار گسترده است.

طبیعتاً هیچ جایی را نمی‌توانیم بدون مددکاری اجتماعی تصور کنیم.

آسیب‌های اجتماعی موضوع مهمی در کشور است، سال ۹۹، حدود ۶۰۰ هزار پرونده قضایی در حوزه سرقت داشتیم. آماري که رضا مسعودی فر قائم مقام معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه اعلام کرده است، در سال گذشته یک میلیون و ۴۰۰ هزار مورد بود؛ بخشی از آن قطعا به مشکلات اقتصادی برمی‌گردد. سرقت‌های خرد ناشی از معیشت آنی است، سرقت‌های خرد برای سرمایه‌گذاری نیست.

ما تجربه‌های متفاوتی را در برخورد با آسیب‌های اجتماعی داشته‌ایم،

حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، حوزه‌هایی نیستند که یک ماهه و دوهفته‌ای بتوان دستوری حل کرد.

با رویکردهای انتظامی و امنیتی در مدیریت و کنترل آسیب اجتماعی نمی‌توان انتظار اثربخشی اقدامات را داشت. این به معنی نادیده گرفتن ظرفیت‌های اجتماعی و نادیده گرفتن حمایت‌ها و مداخلات روانی و اجتماعی است؛ در اینجا دیگر جامعه‌شناس و روانشناس و مددکار اجتماعی جایگاهی ندارند.

مدیریت آسیب‌های اجتماعی نیاز به فهم علمی دارد و در این فهم علمی اولین نکته این است که

آسیب‌های اجتماعی با زور مدیریت نمی‌شود حتی امروزه نوع مطالبات، سبک زندگی و دغدغه‌ها حاوی "پیام" هستند.

در مدیریت هوشمند برخوردهای قضایی و انتظامی آخرین راهکارند، اینجاست که مددکاران اجتماعی با مداخلاتشان در کنار روانشناس و جامعه‌شناس می‌توانند مداخله کنند چرا که طبیعتاً باید کار تیمی و رویکرد چند نهادی را مبنای مداخلات در حوزه آسیب‌های اجتماعی قرار دهیم. تجربه نشان می‌دهد که با رویکرد قهری چیزی جز زیرزمینی کردن آسیب‌های اجتماعی و جرایم اتفاق نخواهد افتاد. خوشبختانه در حال حاضر هم در قوه قضاییه و هم در نیروی انتظامی شاهد استقرار و تقویت رویکردهای اجتماعی هستیم که از دو دهه قبل آغاز شده است و هر ساله هم تقویت می‌شود ولی این تقویت متناسب با نیاز نیست.

تاسیس اورژانس اجتماعی یک نگاه هوشمندانه است تا حد فاصل میان خانه و کلانتری با مداخلات اجتماعی پر شود.

اگر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان تصویب شود، مددکاران اجتماعی محور مداخله قرار می‌گیرند و سازمان بهزیستی به عنوان سازمان اجتماعی مسئول مدیریت آیین نامه اجرایی می‌شود، این نگاهی هوشمندانه در عرصه سیاستگذاری است.

باید بپذیریم حوزه اجتماعی ادبیات خاص خودش را دارد و باید استراتژیهای فرهنگی و اجتماعی را غالب کنیم این به معنی نادیده گرفتن رویکردهای انتظامی و امنیتی نیست، آنها در جای خود می‌توانند اثرگذاری داشته باشند اما وقتی نگاه می‌کنیم که می‌خواهیم اعتیاد را به صفر برسانیم، این یعنی آن فهم درست از پیچیدگی آسیبهای اجتماعی وجود ندارد.

ما بحرانی را به نام کرونا تجربه می‌کنیم؛ بحرانها همیشه عاملی برای جهش و تشدید آسیبهای اجتماعی و ظهور و بروز آسیبهای نوپدید یا بازپدید هستند. ما دوران سختی را در دوران کرونا تجربه کردیم که آسیبهای اجتماعی بعد از این دوران به مراتب وضعیت بغرنج تری را برای هر جامعه‌ای می‌تواند ایجاد کند.

هرکسی که کار خیر می‌کند ادعای مددکار اجتماعی می‌کند حال آنکه مددکاری اجتماعی یک رشته دانشگاهی است. اکنون بخش عمده‌ای از پستهای مددکاری اجتماعی توسط افراد غیر مددکاری اجتماعی ایفای نقش می‌کنند.

مساله تغییر پوشش را باید بیشتر تغییری در سبک زندگی دید تا تغییری ایدئولوژیک و عقیدتی

فرهنگ و اجتماع

قسمت اعظم و قریب به اتفاق بدحجابی در دانشگاه‌های ما ناشی از بی‌دینی نیست، بلکه ناشی از سبک زندگی خاصی است که المان‌های خاصی از سبک زندگی غرب را در کنار سبک زندگی اسلامی دارد.

پوشش در همه جای جهان وجوه فردی و اجتماعی دارد. لذا بخش‌هایی از آن خصوصی است و بخش‌های نیز اجتماعی. وجه الزامی پوشش، همان بخش اجتماعی آن است که در کشورها و جوامع مختلف متفاوت است و در همین مسیر تبدیل به عنصر هویتی آن‌ها می‌شود. بنابراین حجاب اجباری نداریم، حجاب الزامی داریم چراکه برای احکام فردی اجبار نداریم، الزام برای احکام اجتماعی است.

بر همین اساس در محافل آکادمیک در سراسر جهان نیز کدهای پوششی تدارک دیده شده است و حتی منشور اخلاقی تهیه می‌شود که روابط میان کنشگران جامعه را تنظیم نماید. این کدها و منشورها کاملاً مشخص و روشن است و رعایت آن الزامی است.

متأسفانه در کشور ما توجه به این کدهای پوششی و اخلاقی بسیار ضعیف است و بخشی از این بی‌توجهی خود را در بدحجابی نشان می‌دهد.

قسمت اعظم و قریب به اتفاق بدحجابی در دانشگاه‌های ما ناشی از بی‌دینی نیست، بلکه ناشی از سبک زندگی خاصی است که المان‌های خاصی از سبک زندگی غرب را در کنار سبک زندگی اسلامی دارد.

این سبک زندگی، در دوران فراگیری کرونا و تکثیر فضای مجازی و اختلال در فرایندهای تربیتی و پرورشی و جامعه‌پذیری فراگیرتر از پیش شده است.

همین ترکیب متناقض نماست که هویت جامعه ایران را معمای می‌کند و باعث می‌شود که این جامعه تصاویر ظاهراً متناقضی از خود مخابره کند؛ حضور ده‌ها میلیونی در تشییع حاج قاسم، حضور پرشور در لیالی قدر، مراسم محرم، مراسم اربعین و ... در کنار برخی جلوه‌های ناسازگار با شرع مقدس!

این پدیده را باید بیشتر تغییری در سبک زندگی دید تا تغییری ایدئولوژیک و عقیدتی. بنابراین ما بیش

از اینکه خوانش سیاسی و عقیدتی از حجاب داشته باشیم و خود را در زمین بازی دشمن گرفتار کنیم، باید لایه‌های سبک زندگی، تربیتی و فرهنگی آن را لحاظ کنیم و از همین منظر به حل آن بیندیشیم.

باید مراقبت کرد که تفسیر غلطی از این مسئله اجتماعی و فرهنگی ارائه نشود و بر اساس معیار حجاب، دوگانه دین‌دار و بی‌دین درست نشود (نظر رهبری).

چراکه حجاب ملاک انحصاری دین‌داری نیست. بلکه یکی از نشانه‌هاست که البته مهم است. لذا این دوگانه‌ها نه تنها از حیث فرهنگی و اجتماعی خطرناک هستند و ممکن است بر اساس نظریه برساخت گرا هویت بی‌دین را برای بدحجابان برساخت نموده و بر اساس نظریه برجسب‌زنی هویت بی‌دین به آن‌ها الصاق نمایند، که نیز ممکن است موجب رونق کمپین‌های سیاسی جریان‌های معاند و برانداز سیاسی شود و خواسته معاندین و بدخواهان کشور همین است.

این دوگانه‌سازی‌ها قطعاً به نفع جامعه ایران و مصالح نظام نیست. چراکه دشمن می‌خواهد بر اساس این دوگانه‌سازی‌ها پروژه امنیتی خود علیه نظام و دین را پیش ببرد. توجه بیش از حد به حجاب، که البته در جای خود بسیار مهم است، نباید ما را از توجه به موضوع مهم‌تر عفاف غافل سازد.

تأکید بر سبک پوششی خاص و فراگیر و ملی از حجاب، سوغات استانداردسازی، یکسان‌سازی و تولید انبوه جهان مدرن است.

که موجب سرکوب رنگ‌ها و پوشش‌ها در کشور شده که به‌طور سنتی در جامعه ایران رواج داشته هیچ مشکل فقهی نیز نداشته است. این وضعیت یکی از دلایل مهم تکثیر فرهنگ برهنگی و بدن‌نمایی در کشور است.

ترویج بی‌بند و باری و نابودی بنیان اعتماد خانواده با «تست خیانت»

فرهنگ و اجتماع

گروه‌هایی برای جلب توجه و با نیت سنجیدن صداقت نامزدها و دوستی‌های خیابانی نسبت به یکدیگر، کلیپ‌هایی را با عنوان تست خیانت در فضای مجازی منتشر می‌کنند که براساس نظر کارشناسان حوزه روانشناسی و جامعه‌شناسی، اگر این روند ترویج پیدا کند، آسیب بزرگی بر بنیان خانواده و اختلالات موثری در حوزه ازدواج ایجاد می‌کند.

تصویربرداری مخفیانه و نشر آن در فضای مجازی دارای تبعات حقوقی فراوانی است، به همین خاطر به نظر می‌رسد اکثر این مواردی که در این حوزه مشاهده می‌شود، بیشتر ساختگی، برای سرگرمی و جذب دنبال‌کننده باشد.

چنین مواردی در کشورهای غربی به دلیل آثار خاصی که دارد، تحت نظر روانشناسان و جامعه‌شناسان رسانه‌ای می‌شود، به نحوی که این برنامه‌ها در راستای انتقاد به خیانت در روابط زن و شوهری نشان داده شده است، البته در برخی موارد هم شاهد ترویج بی‌بند و باری در رسانه‌های مدعی آزادی آمریکایی و اروپایی هستیم.

تست خیانت عاملی برای شکستن هنجارهای فرهنگ ملی و دینی کشورمان است.

بنیان خانواده مهم‌ترین پایه‌ی فرهنگ ملی و مذهبی ما است، به گونه‌ای که ریشه ارزش‌های بنیادین اخلاقی در خانواده شکل می‌گیرد و با تربیت فرزند در جامعه تسری پیدا می‌کند.

اکثر کلیپ‌های تولید شده در این حوزه به قبل از ازدواج برمی‌گردد، یعنی در این موارد هنوز عهدی بسته نشده است و اطلاق لفظ خیانت بر خاتمه این گونه رابطه‌ها و یا ایجاد اختلال در آن‌ها اشتباه است، به عبارتی ترویج این ادبیات موجب شکسته شدن قبح خیانت واقعی در جامعه‌ی ما می‌شود.

این گونه فعالیت‌ها در قالب صنعت سرگرمی و درآمدزا است. بسیاری از

اقدامات سوء، که تست خیانت یکی از جدیدترین آن‌ها است، موجب استهاله فرهنگی در بسیاری از هنجارهای مربوط به خانواده شده است،

به‌گونه‌ای در طی زمان در حال گذار از جامعه‌گرایی به فردگرایی هستیم، یعنی همان‌طور که در گذشته گرمای وجود خانواده‌ها در کنار یکدیگر احساس می‌شد، در طی زمان با اتفاقات ضدارزشی به سمت تنهایی‌های مفرط کشیده شده است که یکی از راه‌حل‌های این مقوله، برخورد با گروه‌های تست خیانت است.

بنابراین لازم است معاونت جوانان وزارت ورزش، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی و دستگاه‌های نظارتی در حوزه فضای مجازی بر این روند نظارت و اقدام کنند.



منبع- خبرگزاری فارس (۱۴۰۱/۴/۱۹)

پیشنهادهای سیاستی در راستای بهینه سازی الگوی دفاتر تسهیلگری

فرهنگ و اجتماع

پدیده حاشیه نشینی به دلیل ابعاد و تبعات اجتماعی، کالبدی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی آن همواره به عنوان یک مسئله مدیریت شهری و آسیب اجتماعی مورد توجه دولت ها بوده است به منظور حل این مسئله نیز تاکنون سیاست های مختلفی اجرا شده که می توان آن را در طیفی از نفی و طرد موضوع تا بهسازی و توانمندسازی صورت بندی کرد.

در حال حاضر، توانمندسازی اجتماعات حاشیه نشین با تأکید بر مشارکت محلی مهم ترین رویکردی است که در این حوزه توصیه می شود.

در همین رابطه، ازجمله مهم ترین اقداماتی که در راستای نقش آفرینی و افزایش مشارکت ساکنان در سامان دهی مناطق حاشیه نشین در کشور صورت گرفته، ایجاد «دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی» توسط سازمان امور اجتماعی در ذیل وزارت کشور بوده است.

این طرح با رویکرد تقویت مشارکت و حس تعلق جامعه محلی به عنوان مهم ترین دستور کار وزارت کشور در موضوع حاشیه نشینی طی سال های اخیر تعریف و دنبال شده است. در این راستا و با عنایت به احکام مواد (۵۹) و (۸۰) قانون برنامه ششم توسعه در حوزه سکونتگاه های غیررسمی و محلات حاشیه نشین و گذشت پنج سال از اجرای این برنامه، بررسی عملکرد دفاتر فوق الذکر در چارچوب ارزیابی عملکرد برنامه ششم توسعه در حوزه آسیب های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

نتایج بررسی نشان می دهد که جمع آوری و صورت بندی اطلاعات دقیق مبتنی بر وضعیت محلات، تلاش در جهت استفاده از ظرفیت ساکنان در زمینه شناسایی و حل مسائل و مشکلات محلات، پیگیری جهت جذب منابع مالی برای اجرای پروژه ها در سطح محلات هدف و تلاش در راستای حل مشکلات کالبدی محلات از وجوه مثبت عملکرد دفاتر تسهیلگری بوده است. با وجود این، ضعف در هماهنگی نهادی و ساختاری، غلبه رویکرد و نگاه کالبدی بر عملکرد دفاتر، ضعف در اعتمادسازی و جلب مشارکت حداکثری ساکنان، نامشخص بودن نتایج و اثربخشی عملکرد دفاتر، ابهام در چشم

انداز و برنامه ریزی بلندمدت دفاتر و ضعف در ساختار و کیفیت پایین نیروی انسانی برخی دفاتر به عنوان نقاط ضعف دفاتر مزبور مطرح هستند.

با توجه به نتایج حاصل شده در این بررسی، به ویژه ضرورت وجود الگوی مشارکتی و محله محور، پیشنهادهای سیاستی ذیل در راستای بهینه سازی الگوی دفاتر تسهیلگری محلات حاشیه نشین قابل ارائه است و استفاده از ظرفیت های قانون برنامه هفتم توسعه در جهت رفع موانع ساختاری و نهادی و ارتقای سطح هماهنگی بین دستگاهی حاکم بر طرح ها و الگوهای فعال در سامان دهی محلات حاشیه نشین، واگذاری دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی به مدیریت شهری، متناسب با ملاحظات و اقتضائات لازم و ضمن حفظ نقش مدیریت استانداری ها در انجام حمایت های مؤثر نهادی از برنامه ها و عملکرد دفاتر و بازنگری و اصلاح الگوی برنامه ریزی بلندمدت طرح مبتنی بر واقعیات عملیاتی میدان با هدف پایداری اقدامات به جای تأکید بر راهبرد خروج که باید مورد توجه قرار گیرد.

همچنین ارتقای سازوکارهای نظارتی وزارت کشور، سازمان امور اجتماعی و سایر نهادهای ذی ربط بر فرایند و عملکرد دفاتر تسهیلگری، تدوین شاخص های ارزیابی عملکرد مبتنی بر اهداف طرح و به کارگیری این شاخص ها در راستای ارزیابی و بهبود وضعیت عملکرد دفاتر به صورت سالیانه، ارزیابی مستمر وضعیت و کیفیت شرکت های مجری در سطح محلی و نیروی انسانی شاغل در دفاتر و الزام در به کارگیری نیروی انسانی بومی، توانمند، دغدغه مند و صاحب صلاحیت و استفاده حداکثری از حضور و مشارکت واقعی مردم محلی در پیشبرد فعالیت دفاتر در همه زمینه ها از شناسایی و برنامه ریزی تا اجرا و نظارت از دیگر پیشنهادات قابل ذکر است.



فرهنگ و دانشگاه

دکتر عباسعلی رهبر؛ استاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

- امروز نیاز به نوآوری در بخش‌های مختلف علوم انسانی داریم.
- علوم انسانی را نه تنها برای شهر و کشور و منطقه ما دارای اهمیت ویژه‌ای می‌دانند بلکه از گزاره جهت‌دهنده جهانی نام برده‌اند.
- تا وقتی امر تحول در ذهن و ساختار اجتماعی و سیاسی ما ایجاد نشود، طبیعتاً با نهادسازی و تدوین اسناد مختلف نمی‌توان کار جدی در حوزه علوم انسانی انجام داد.
- تضارب‌آرا و اندیشه را در قالب کرسی‌های آزاداندیشی دنبال کنیم.
- جامعه علوم انسانی ما نیاز به جوشش درونی و صرف فعل خواستن دارد.

فرهنگ و دانشگاه

دکتر محمدرضا حسینی‌آهنگر؛ رئیس دانشگاه امام حسین (ع)

- "دانشگاه تراز انقلاب اسلامی" پیش‌نیاز تولید "علم نافع" است.
- انقلاب اسلامی و کشور ایران در همه زمینه‌ها جزء ۱۰ کشور برتر دنیا قلمداد شود، یکی از عناصر و مؤلفه‌های موفقیتش همین مؤلفه‌های علم و فناوری است
- جریان تحریف با محوریت دشمن به دنبال روایت‌گری پیشرفت‌های نقطه‌ای است
- دشمن در حال مقابله با پیشرفت‌های کشور در زمینه علم و فناوری است که آن را به صورت علنی اعلام کرده است.
- خروجی‌های دانشگاه تراز انقلاب اسلامی از این جنس است، انسان‌ها و مدیران تراز را تربیت می‌کند، علم نافع تولید می‌کند و ما را به فناوری‌ها می‌رساند، ما را به محصولات دانش‌بنیان رسانده و می‌تواند نظام مسائل انقلاب اسلامی را حل کند.
- مسئله تحول در دانشگاه‌ها یک راه منحصر به فرد دارد و آن هم استفاده از جوان‌ها در دانشگاه است.

دکتر سعید رضا عاملی؛ دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی

- دانشگاه اگر فقط خودش را سرمایه ببیند موفق نمی شود.
- دانشگاه سکو مدار اولاً متناسب با مهارت‌های مورد نیاز، بستر آموزش فراهم می کند، آموزش آن، پیوند خورده با ظرفیت آموزشی همه اساتید جهان و همه متقاضیان و دانشجویان با مدرکی معتبر و دارای ارزش کارآفرینی است.
- یکی از مشکلات نظام علمی ما فقدان آماده سازی مهارتی اعضای هیئت علمی برای ورود به عالم آموزش و پژوهش است.
- نسل چهارم دانشگاه، دانشگاهی است تمدن گرا، که با بهره گیری از نوآوری، ظرفیت متفاوتی را خلق می کند.
- دانشگاه باید موقعیت های پاره وقت برای متخصصان صنعتی، هنرمندان و کارکنان موسسات دولتی اجتماعی یا سایر موسسات فراهم کند.
- دانشگاه باید قادر باشد تا دانشمندان خارج از دانشگاه را جذب کند زیرا دانشمندان را تنها با مدارک نمی شناسیم.
- ۶۵ درصد داده های جهان به یک معنایی توسط گوگل ویرایش می شود و در ذخیره اطلاعات گوگل قرار می گیرد. این یعنی از همه قدرت و تلاش دیگران استفاده کردن.
- ما باید به معماری فضای مجازی توجه ویژه بکنیم. ما پیشرفت فناوری را نوآوری می دانیم چون نوآوری قدرت حل مساله را دارد.

گری کارل (محمد) لگنهازن؛ موسس انجمن مسلمانان دانشگاه تگزاس استاد مؤسسه امام خمینی (ره)

- در علوم انسانی بیشتر ارزش ها نقش دارند. ارزش ها در دیدگاه ایشان نیز همه برمی گردد به غایتی که ما در رسیدن به کمالات داریم. پس اگر ما می خواهیم در جامعه قانون وضع کنیم باید بگونه ای باشد که بتواند شهروندان را به کمالات برساند.
- ایشان هیچ وقت نمی گفت که مردم نباید فروید را بخوانند و این علم را کنار بگذارند. ولی ایشان می خواست بگوید که ما باید چیزی مطرح بکنیم به عنوان روان شناسی اسلامی که مردم بدانند که یک بدیلی هم هست.
- متأسفانه در ایران و به طور کلی در نظام آموزشی وقتی که دانشجو درس را شروع می کند، حتماً آن رشته را به پایان می رساند.

فرهنگ و دانشگاه

دکتر علی لطیفی؛ رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- علم نافع به معنای انحصار آموزش‌های مهارتی نیست.
- به طور جد بخشی از چالش‌های کتاب‌های درسی در عرصه اجرا است که این ایده‌ها درست فهم نشده و به بیراهه رفته است.
- زمان زیادی از عمر بسیاری از کتاب‌های درسی گذشته است و به همین خاطر، این کتاب‌ها نیازمند تغییر از نوع تحول هستند.

فرهنگ و دانشگاه

دکتر ابراهیم فیاض؛ استاد دانشگاه تهران

- نقش علوم انسانی در تمدن‌سازی باید فعال در نظر گرفته شود.
- امروز حوزه‌هایی مانند فنی و مهندسی و علوم پایه بر علوم انسانی مسلط شده و این حوزه را ضعیف کرده‌اند.
- باید وزارت حکمت و دانش انسانی را مانند کشورهای مثل آلمان داشته باشیم.
- نقش علوم انسانی در تمدن‌سازی باید فعال در نظر گرفته شود.
- تدریس در علوم انسانی باید به شدت دچار تغییر و تحول شود.
- وقتی جایگاه علوم انسانی را از بین می‌بریم یعنی در جامعه بحران‌های مختلف ایجاد می‌شود.

فرهنگ و دانشگاه

دکتر فرهاد رهبر؛ دستیار اقتصادی رئیس‌جمهور

- قوانین موجود به وابستگی فناوران به خارج از کشور کمک می‌کند.
- حرکت آهسته بخش آموزش عالی به سمت اقتصاد دانش‌بنیان و کارآفرین، افزایش فرار مغزها و مهاجرت نخبگان و کاربردی نبودن برخی آموزش‌های دانشگاهی چالش است.
- ما همچنان در نسل دوم که پژوهش محور است باقی مانده‌ایم و زمینگیر شده‌ایم.
- شرکت‌ها تنها پنج درصد نیاز به فناوری خود را با تحقیق و توسعه درون شرکتی، هشت درصد را با تحقیق و توسعه مشارکتی، ۱۵ درصد را با خرید دانش فنی از بنگاه‌ها و سازمان‌ها و ۷۱ درصد نیاز خود را با خرید ماشین‌آلات و ابزار تأمین می‌کنند.

دکتر رضا داوری اردکانی؛ رئیس فرهنگستان علوم

- آموزش و پرورش را از این نگاه صنفی و جنگ اصناف دور باید داشت.
- جهان ریاضی شده است ما جهان را با نظر ریاضی نگاه می کنیم.
- برای درس خواندن و علم آموختن رغبت باید افزایش یابد و نه ساعات درسی و حجم کتاب درسی و اگر رغبت نباشد هرچه بیاموزند چنانکه باید نمی شود.
- از بمباران ذهن آنها با درس ها و کتاب هایی که احیاناً بد نوشته شده است خودداری کنیم.

افزایش ۵۳ درصدی قیمت کتاب همراه با افزایش عنوان و تیراژ

در سه ماه اول سال ۱۴۰۰ میانگین قیمت هر صفحه سه هزار و ۵۹۰ ریال بوده که با ۴۲ درصد افزایش در سال ۱۴۰۱ به پنج هزار و ۱۰۹ ریال رسید.

دکتر بهرام صلواتی؛ مدیر رصدخانه مهاجرت

علت نگاه منفی به جریان مهاجرت در ایران این است که فکری به حال آن نکرده ایم و فقط منتظر این بودیم که سرمایه های انسانی از کشور خارج شده و خودشان نیز به کشور بازگردند!

دکتر پرویز کرمی؛ رئیس مرکز و دبیر ستاد فناوری های نرم و توسعه صنایع خلاق

- جلوگیری از مهاجرت باید از طریق خانه های خلاق نوآوری و دانش بنیان ها باشد.
- زمانی که بحث نوآوری های اجتماعی و عمومی می شود تمام نفع آن به آحاد جامعه می رسد. قبلاً در قالب سازمان ها و سمن ها و واحدهای خیریه بوده است.
- سند توسعه ملی فناوری نرم، یکی از سندهایی است که رشد نوآوری های اجتماعی برای نقش آفرینی بیشتر گروه های مردمی در حل آسیب های اجتماعی اولویت دار کشور است.

دکتر مسعود عالمی نیسی؛ سرپرست مؤسسه تحقیقات جمعیت

- جمعیت بیشتر، به معنای تولیدکنندگان بالقوه بیشتر است.
- مسئله سالمندی موضوع مورد اجماع متخصصین است؛ حل این بحران نیازمند افزایش نرخ ازدواج و فرزندآوری در کشور است.
- مالتوس ادعا کرد سرعت رشد جمعیت بیش از سرعت رشد غذا در جهان است و لذا با افزایش جمعیت، جهان دچار کمبود غذا می‌شود.
- اما نظریه های علمی در خصوص تأثیر جمعیت بر اقتصاد، به سمت مثبت تغییر کرده‌اند و افزایش جمعیت را عامل توسعه و رفاه می‌دانند.
- نمودار درآمد سرانه جهانی نشان می‌دهد که در چند دهه گذشته و تا جایی که آمار وجود دارد، با افزایش جمعیت جهان درآمد سرانه (بر پایه دلار ثابت ۲۰۰۵ و با حذف تورم) نیز افزایش پیدا کرده است.
- جمعیت و افزایش آن مسئله نیست بلکه مسئله در مدیریت است؛ ما باید مدیریت اقتصادی را درست کنیم و نباید نگران جمعیت باشیم

دکتر تقی آزاد ارمکی؛ استاد دانشگاه تهران

- اتفاق مهم جامعه ایران «شکاف اجتماعی» است نه شکاف نسلی
- نسل جدید آن چیزی را انجام می‌دهد که نسل قدیم درخواستش را دارد و به نوعی در امتداد آن است.
- نسل میانی در جامعه ایرانی کارگزار اصلی تحولات اجتماعی بوده و نسل جوان در اختیار او برای بازیگری قرار دارد.
- باید شیوه های ارتباط با جمعیت را متناسب با موقعیت طراحی کرد.

دکتر علی نوریجانی؛ پژوهشگر مدیریت رسانه

- حاکمیت باید بستر به روز کردن والدین را فراهم کند.
- ما در حوزه خانواده سرمایه دار هستیم. یعنی از دوران ایران باستان تاکنون، خانواده کارکرد خود را دارد.
- جامعه مجازی ابری بر فراز جامعه حقیقی است که تصویر جامعه حقیقی در آن ابر مجاز خود را نشان می دهد.
- در ابتدا باید بدانیم که الگوی ما در جامعه از نوع توسعه ای است یا از نوع پیشرفت.
- حاکمیت نیز باید بستر به روز کردن والدین را فراهم کند؛ زیرا تا پیش از این برخی از والدین نمی دانستند وارد چه حریمی می شوند
- شرکت های اپراتور معمولاً خانواده ها را به عنوان عنصر فعال نمی بینند، بلکه آنها را به مثابه مشتری می بینند.

دکتر حورا طهرانی؛ پژوهشگر سواد رسانه ای

- در ایران برای پدر و مادری که فرزندشان را زیر سنین قانونی وارد فعالیت های فضای مجازی می کند قانون بازدارنده با ضمانت اجرایی نداریم.
- حضور بچه ها جذابیت ها و شیرینی های خاص خود را دارد و مسلماً پست های بچه ها لایک بیشتری می گیرد و همین به پدر و مادر اعتبار بیشتری می دهد
- پدر و مادرهای بسیار در خصوص استفاده از فضای مجازی هم در مورد خودشان هم فرزندانشان ناآگاهند.
- آموزش ها باید به این منتهی شود که ما نباید مصلوب اختیار این ابزار شویم و اختیارمان باید در دست خودمان باشد.

دکتر احمد قیومی؛ استاد دانشگاه

- باید حواسمان به آسیبی که از روی چهل یا بی سوادى به ما وارد مى شود باشد.
- یکی از این چالش‌های اساسی، عنان گسیختگی این فضا و عدم تعریف چارچوب مشخص برای آن است
- یکی از دلایل گریزان بودن مردم از حکمرانی فضای مجازی، سابقه اقداماتی است که توسط مسئولان انجام شده و در طی زمان در ذهن مردم باقی مانده است.
- مقدمات حضور پررنگ در فضای مجازی و اتفاقات نوین به فضای حقیقی برمی‌گردد.
- نسل Native Digi که از ابتدای تولد فضای مجازی را تجربه کرده‌اند، آموخته‌های قبلی را ندارند و به سؤالاتشان پاسخ نداده‌ایم.

دکتر محمد فقیری؛ مدرس دانشگاه و کارشناس حوزه آموزش و پرورش

- باید مهارت‌های چهارگانه زبانی در کتاب بر اساس نظریه، نه شناخت تجربی تقویت شود.
- مشکل ضعف ادبیات، نبود متون ادبی جالب و جذاب است که از برجسته‌سازی، ادبیت متن و پیرنگ‌پردازی (پیرنگ نقد رویدادها در داستان یا درام، با تأکید بر رابطه علیت خوبی برخوردار نیستند
- در آموزش و پرورش یادگیری به مثابه تغییر رفتار، کمتر مورد توجه قرار گرفته و حتی معلمان و دانش‌آموزان از این تعریف یادگیری شناختی ندارند
- در کتاب‌های فارسی و نگارش، مهارت‌های نوشتاری و خواندن بر مهارت‌های گفتاری و شنیداری غالب است؛ در این زمینه نیز نظریه و پژوهش نداریم
- یکی از راه‌های افزایش ذخیره واژگانی را، استفاده از راهبردهای زبان‌شناسی پیکره‌ای دانست که این کاری بسیار تخصصی است و زبان‌شناسان باید به دفتر تألیف کتب درسی در این زمینه کمک کنند.

محمد حاتمی؛ رئیس سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره

- افسارگسیختگی فضاهای مجازی گاه باعث ارائه خدمات غیرتخصصی به جامعه می‌شود.
- امروز مبحث سلامت روان یک چالش ملی بوده و نگاه مسئولین کشور به این حوزه، "درمان محور" است.
- این موضوع (پیشگیری مقدم بر درمان) همچنین در سخنرانی‌ها و جلسه با سازمان نظام روانشناسی مورد تأکید رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است.
- خدمات روانشناسی و مشاوره کالای لوکس نیست، آحاد جامعه باید بتوانند از این خدمات استفاده کنند.

سید حسن موسوی چلک؛ رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

- کار تیمی و رویکرد چند نهادی را مبنای مداخلات در حوزه آسیبهای اجتماعی قرار دهیم.
- طبیعتاً هیچ جایی را نمی‌توانیم بدون مددکاری اجتماعی تصور کنیم.
- حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، حوزه‌هایی نیستند که یک ماهه و دوهفته‌ای بتوان دستوری حل کرد.
- آسیبهای اجتماعی با زور مدیریت نمی‌شود حتی امروزه نوع مطالبات، سبک زندگی و دغدغه‌ها حاوی "پیام" هستند.
- تاسیس اورژانس اجتماعی یک نگاه هوشمندانه است تا حد فاصل میان خانه و کلانتری با مداخلات اجتماعی پر شود.

دکتر عبدالحسین کلانتری؛ عضو شورای فرهنگ عمومی

- مساله تغییر پوشش را باید بیشتر تغییری در سبک زندگی دید تا تغییری ایدئولوژیک و عقیدتی.
- قسمت اعظم و قریب به اتفاق بدحجابی در دانشگاه‌های ما ناشی از بی‌دینی نیست، بلکه ناشی از سبک زندگی خاصی است که امان‌های خاصی از سبک زندگی غرب را در کنار سبک زندگی اسلامی دارد.
- باید مراقبت کرد بر اساس معیار حجاب، دوگانه دین‌دار و بی‌دین درست نشود.
- تأکید بر سبک پوششی خاص و فراگیر و ملی از حجاب، سوغات استانداردسازی، یکسان‌سازی و تولید انبوه جهان مدرن است.

حسین ایمانی جاجرمی؛ استاد دانشگاه تهران

- تست خیانت عاملی برای شکستن هنجارهای فرهنگ ملی و دینی کشورمان است.
- اقدامات سوء، که تست خیانت یکی از جدیدترین آن‌ها است، موجب استهاله فرهنگی در بسیاری از هنجارهای مربوط به خانواده شده است

پیشنهادهایی سیاستی در راستای بهینه سازی الگوی دفاتر تسهیلگری

توانمندسازی اجتماعات حاشیه نشین با تأکید بر مشارکت محلی مهم ترین رویکردی است که در این حوزه توصیه می شود.



دیرازه، گزارشی است که ماهانه از اهم دیدگاه صاحب‌نظران (یادداشت، سخنرانی و گفتگو) در خصوص مسائل فرهنگی و اجتماعی تهیه می‌شود. این دیدگاه‌ها در رسانه‌ها و درگاه‌های سازمانی منتشر شده‌اند و دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی تلاش می‌کند منتخبی از آن‌ها را در اختیار مخاطبان خود قرار دهد.

این دفتر کوشیده است دیدگاه‌های مهم را پوشش دهد و قطعاً کاستی‌های آن، با اعلام نظر همکاران مرتفع خواهد شد.